



ما اجازه نخواهیم داد که دیگر دیکتاتوری به ایران بازگردد و ارتجاع حکومت نماید. مذهبی که مردم را در مقابل هم قرار دهد و آنها را استثمار کند، مذهب الهی نیست.

خود مختاری برای کردستان در چهار چوب ایران آزاد.

شیخ عزالدین حسینی ۲۳ روز یکشنبه ۲۳ اردیبهشت بنا بدعوت وزیر کشور همراه با هیئت از روحانیون مبارز گردید و وارد تهران شد. همراهان وی، امام جمعه ها و نمایندگان نقده، سقز، مهاباد، آشنویه، مرگه و ورتگره و رودزده و له (اطراف ارومیه) هستند. شیخ عزالدین حسینی صبح روز جمعه ۲۸ اردیبهشت در سالن ورزش دانشگاه صنعتی شریف، سخنرانی پرشوری ایراد کرد که متن کامل آنرا در زیر میخوانید. قبلاً از سخنان وی، مقداری در شرح زندگی بعضی از شهدای خلق کرد، سخنرانی شدوسپس صادی و زیری نمایندگان جمعیت کرد های مقیم مرکز سخنانی درباره لزوم خود مختاری برای کردستان در چهارچوب ایرانی آزاد و دمکراتیک ایراد کرد. امام جمعه نقده سخنران بعدی بود که بشرح واقعیات رویداد خونین و دردناک نقده پرداخت و به افشاکری پسر علیه شایعاتی که دستهای ناپاک عوامل امپریالیست و ارتجاع برای انحراف از اذهان، پخش میکنند، پرداخت. بقیه در صفحه ۳

مصاحبه با یکی از رهبران انقلاب عمان



رفیق عبدالعزیز القاضی : انقلاب مقاوم صفحه ۴

درباره مسئله ملی (۴)

باتوجه به شرایط کنونی سرنوشت جنبشهای ملی بکجا خواهد کشید؟ سیاست سیستم حاکمه در قبال مسئله ملی چیست؟ نتیجه گیری:

مبارزه خلقهای ایران برای احقاق حقوق ملی مبارزه ایست بر علیه ۵۷ سال زورگویی و ستمگری رژیم وابسته به امپریالیسم که تعدیات و توهین های بی شماری نسبت به غرور و احساسات و ... ملی خلقها وارد ساخته، و همواره سعی نموده است که از طرمسی اساسا مسئله ملی و حقوق ملیتها را انکار نماید و از طرف دیگر با دروغپردازیها و سبهای های ارتجاعی - شونیستی خود درگوشه گوشه جهت کسب حقوق ملی را تجزیه طلبی قلمداد کرده، ذهن توده ها را نسبت به آن مغشوش گرداند. این مبارزات علاوه بر دفاع از ملیت و حقوق ملی، ناگزیر از رویارویی با امپریالیسم نیز میباشد که با حاکمیت و نفوذ خود در تمامی بینه های اقتصادی و سیاسی، نظامی و فرهنگی میهنمان بنا به منافع غارتگرانه و استثمارگرانه اش مناطق ساکن ملیتها را در عقب ماندگی فاحشی نگه داشته و حسی اصلاحات را درونی نیم بند خود را نیز در این مناطق به اجرا نگذاشته است و هنوز مناسبات فئودالی و ماقبل سرمایه داری در این مناطق باقی مانده و حتی در بعضی مناطق وجه غالب مناسبات تولیدی را دارد. مبارزه خلقها برای احقاق حقوق ملی عا دلانته و برحق خود، جز جدائی ناپذیر انقلاب دمکراتیک و ضد - امپریالیستی خلقهای ایران میباشد. این مبارزات به خلاف تصور شورویسینهای کوتاه نظر و البته بورژوازی، صورت خلقی لاساعه و صرفا در دوران بعد از قیام بوجود نیامده بلکه در تمام طول ۵۷ سال گذشته بطور مداوم و لاینقطع، گاه آشکار و گاه پنهان وجود داشته، و خلقها همواره بر علیه حاکمیت و نفوذ امپریالیسم و شونیسم رژیم وابسته به امپریالیسم پهلوی مبارزه میکرده اند. بقیه در صفحه ۵

● کمیته مرکزی حزب توده و مطبوعات مترقی
● مبارزه در راه رادیو تلویزیون آزاد
● یورش به مطبوعات گامی دیگر در راه تعرض به آزادی است
● صفحه آخر

● تظاهرات به پشتیبانی از شیخ عزالدین حسینی ۷
● اعتصابات و مبارزات کارگری ۶
● پیام به سازمان چریکهای فدایی خلق ۳
● گرامی باد خاطره مجاهدین شهید ۳

سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر
پیکار

دوشنبه ۲۱ اردیبهشت ۱۳۵۸ سها ۱۰ ریال
مراسم صدمین سالگرد تولد دکتر مصدق
ساعت ۵ بعد از ظهر شنبه ۲۹ اردیبهشت ماه بمناسبت صدمین سالگرد تولد رهبر ملی ایران، دکتر محمد مصدق که بنام روز دفاع از آزادی بیان و اندیشه نامیده شد، ده ها هزار نفر از اناسهایی که دلهاشان بخاطر آزادی و استقلال میهن می تپد در دانشگاه صنعتی (شریف) گرد آمدند. این مراسم به استکار جبهه دمکراتیک ملی ترتیب یافته بود. سخنان و شعارهای شرکت کنندگان در مراسم گویای این واقعت بود که مردم آزاده ما حاضر نیستند در برابر فشارهای فاشستی و تلاشهای ارتجاع و امپریالیسم برای بخیه در صفحه ۷

درباره وحدت

● دضعف اساسی جنبش کمونیستی :
تشتت وعدم ارتباط سیاسی تشکیلاتی با طبقه کارگر
در شماره میل برخی از دیدگاهها و نقطه نظرات موجود در سطح جنبش کمونیستی را در باره وحدت نیروهای م.ل. و پروسه شکل حزب طبقه کارگر، مورد بررسی و ارزیابی قرارداد و کمتیم که اکنون از نظر ما دودید - گاه احرافی در سطح جنبش کمونیستی در باره وحدت وجود دارد که هر یک با حرکت از پایگاه و مواضع خاص خود عملا وحدت نیروهای م.ل. را مورد تردید قرارداد و آنها بتبعوی می اندازد. دیدگاه اول، ناظر بر ایست که شرط اولیه وحدت نیروهای م.ل. در شرایط فعلی، تامین ارتباط ارگانیک این نیروها با طبقه کارگر بوده و هرگونه وحدتی را بدون تحقق چنین شرطی، وحدت با بالا و نوعی سرهم بندی روشنفکرانه تلقی میکند. این دیدگاه همانطور که قبلا اشاره کردیم، از آنرو که امر "وحدت" و "پیوند" با طبقه کارگر را نه بعنوان دو جز و دو بخش کاملاً مرتبط و وابسته به هم، بلکه این دو را عملاً بعنوان بقیه در صفحه ۲

سرمقاله چرا از آزادی بیان می ترسند؟

توطئه بر علیه مطبوعات و نویسندگان مشتمل بر تجاوز دیگری بود به قلمرو آزادی. این عمل قلب تمام کسانی را که نسبت به آزادی و استقلال میهن عشق می ورزند به لرزه درآورد و انسانهای آزاده ای را که در ضمن ده ها تظاهرات عظیم خود در زمان رژیم شاه خائن، بارها و بارها آزادی قلم و مطبوعات را به عنوان یکی از خواستهای اصلی خود مطرح ساخته بودند بیش از پیش نسبت به سرنوشت آزادی نگران ساخت. این هجوم جدید به حرم آزادی زمانی صورت می - گیرد که خلقهای ما برای آگاه شدن به توطئه های امپریالیسم و ارتجاع، برای شرکت در مجلس مؤسسان و... به فضای مساعدی، برای افشاکری و برخورد مساخاق و عقاید مختلف نیازمندند... آنها که این هجوم را تدارک دیدند و آنها که از این هجوم برای رسیدن به مقاصد ضد مردمی خود سود می جویند، قبل از این نیز سعی کرده اند حقایق عظیم تر و بزرگتری را از دیدگان خلق پنهان کنند زیرا که آنها از افشای حقایق در هراسند. آنها به عنوان دولت موقت، در حالیکه سه ماه از قیام پر شکوه خلقها می گذرد، هنوز حاضر نشده - اند، از هزاران سند و قرارداد شکنج نظامی - سیاسی - اقتصادی حتی یک سند را برای آگاهی دقیق خلق نسبت به آنچه که در راهش خون داده است، در اختیارش بگذارند. بدین ترتیب آنها تا بحال بزرگترین سانسور را برای پوشیده ماندن توطئه های امپریالیستی جایز شمرده اند. آنها در جواب توده های که خواهان لغو سوری و آگاهی بر مفاد این قرارداد های سنگ آتور هستند، حجم قطور قراردادها، اطاق های در بسته، و وکلای آمریکا را نشان می دهند. و اعلام می دارند که به همراه وکلای آمریکایی در اطاق های در بسته ای - قرارداد های مورد مطالعه قرار خواهند داد تا نسبت به لغو آنها تصمیم بگیرند. اما شاهکاری که آنها پس از سه ماه و اندی که از عمر "دولت موقت" می گذرد، زنده اند نشان میدهد که چه توطئه سنگ آتوری را برای خلق ما تدارک دیده - اند. آنها پس از این مدت از میان هزاران قرارداد

ادامه از صفح اول
در باره وحدت

دو آلترناتیو در مقابل یکدیگر قرار میدهد ، نه تنها مانی جدی در راه وحدت جنبش کمونیستی ایجاد میکند ، بلکه ارتباط سیاسی - تشکیلاتی با طبقه کارگر را بدلیل انفرادمنشی وجدائی طلسمی گروهها ، عملاً دچار وضعه و اختلال مینماید . و باز اضافه کردم که این دیدگاه بطوریکجانبه وبدون توجه به اهمیت نقش مبارزه آید - ثولوزیک ، اساساً روی " پایه کارگری" اس با آن گروه نکیه کرده و از ارتباط ارگانیک نه تلفیق و آموزش ثئوری سوبالیستی با جنبش خودمخودی طبقه کارگر ، بلکه عمدتاً ارتباط فیزیکی و اکونومیستی با طبقه را مورد نظر دارد .

دیدگاه دیگری که ظاهراً با دیدگاه اول متصصاد بنظر میرسد ، دیدگاه " اشتلاف" و یا " اتحادیه سیاسی" است که طرفداران آن مطرح میکنند که مبتنواً با توافق برسر یکبرنامه و منشورسیاسی مشترک ، فعالیت خود را در زمینه های مختلف کارگری و دموکراتیک ، هماهنگ ساخته و از آنطرف سبزمبده سیاسی و ایدئولوژیک و عملی مناسب را برای تشکیل حزب فراهم ساخت . این دیدگاه همانطور که در شماره پیش به آن اشاره شد :

اولاً با در دستور قرار دادن یک سری همکارپهسای سببستما تیک و ایجاد یک قطب سیاسی ایدئولوژیک بعنوان اختلاف و ناشین کردن آن بجای " وحدت سیاسی ایدئولوژیک و تشکیلاتی نیروهای م.ل. ، مانع از تحقق و بسه سرانجام رسیدن امر وحدت این نیروها شده بود . توجیه تشکیلاتی ، استقلال گروهها ، در واقع اسن دیدگاه آنچنان طرف تشکیلاتی ای ارائه میدهد که در آن نه تنها با انحرافات نظیر سکتاریسم ، گروهگرائی ... مبارزه نمی شود ، بلکه زمینه مناسبی نیز برای رشد و دامن زدن به این ضعفها بوجود می آید و در نتیجه جدا - ثی و پراکندگی نیروهای م.ل. همچنان ادامه پیدا میکند . ثانیاً طرح اختلاف بجای پرداختن به مبارزه اسن - ثولوزیک و تا مین وحدت سیاسی - ایدئولوژیک و تشکیلاتی نیروی م.ل. ، با تاکید یکجانبه بر جنبه های تفاهم و اشتراک نظر و وارد شدن در یکسری فعالیتها ی مشترک در طی یک دوره و سرگرم شدن به آن ، وحدت جنبش کمونیستی را به تاخیر می اندازد .

ثالثاً در این دیدگاه ، بدلیل عدم توجه به مبارزه ایدئولوژیک و مشخص شدن جنبه های وحدت و اختلاف ، همواره ضرورت و اولویت تعیین برنامه و سیاست قبل از ورود بهمکاری با یکدیگر ، به فراموشی سپرده میشود که نتیجه اش ادامه حرکت خودمخودی و غیر آگاهانه سس گروهها و حاکمیت آفتنگی ، تشتت و خرده کاری برآنهاست . رابعاً دیدگاه اشتلاف ، همواره چشم بر امکانات موجود دارد و بجای حرکت از این موضع که " چه باید کرد ؟" به " آنچه میتوان انجام داد" دلخوش میشود که نتیجه آن چیزی جز ادامه خرده کاریهای گذشته و متوقف ماندن امروحدت نخواهد بود .

در مقاله قبل ، همچسب اشاره کردیم که دیدگاه متکی " بر ارتباط ارگانیک" آنجا که در برابر تشتت ، پراکندگی و خرده کاریهای موجود در جنبش کمونیستی و بعنوان یک واقعیت تلخ روبرو میشود و در عین حال پاسخ مناسبی برای آن ندارد (چرا که از قبل خود را با آن پیش شرط گذاش خلغ صلاح کرده است) ، چاره ای جز آن ندارد که برای تشکیل موقت این سبماری هسان داروئی را تجویز کند که طرفداران طرح اشتلاف با آن موافقت دارند و این راهی است که همواره بر سر راه طرفداران این دیدگاه وجود دارد و تصادفی هم نبوده و نخواهد بود که مادامسین این دو دیدگاه را علیرغم اختلاف در نقطه عزمیتشان در پایان کار در کنار یکدیگر مشاهده میکنیم .

همانطور که ملاحظه میشود نقطه اشتراک این دو دیدگاه را میتوان در کم بها دادن به مبارزه ایدئولوژیک و برنامه و سیاست پرولنری و در واقع بنده گرفتن نقش

عنصر آگاه و اهمیت آن و تسلیم در قبال حرکت خود - بخودی (دیدگاه اکونومیستی) و همچنین تا کسد و یا توجه حدائی و استقلال گروهها (دیدگاه سکتاریستی) و ادامه تشتت و پراکندگی آنها حلاصه نمود .

دیدگاه برنامه سازمان ما درباره وحدت نیروهای مارکسیستی - لنینیستی

جنبش کمونیستی ما امروز از دو وضعیت اساسی رنج میرسد : عدم ارتباط سیاسی - تشکیلاتی آن با جنبش کارگری و پراکندگی و تشتت میان خودنیروهای این جنبش بدون تردید ، دو ضعف فوق ، در ارتباط لاینفک با یکدیگر قرار داشته و لازم و ملزوم یکدیگرند تشتت و پراکندگی در جنبش کمونیستی خودمطلوب جدا ثی نیروهای م.ل. از حسش طبقه کارگر میباشد ، در حالی که پیوند با جنبش کارگری خود سناز مند وحدت هرچه بیشتر نیروهای م.ل. با یکدیگر میباشد .

در شرایط کنونی که جنبش کمونیستی ما در آن قرار دارد ، یعنی تشتت ایدئولوژیک و سازمانی نیروهای وابسته به این جنبش و نداشتن ارتباط لازم سیاسی - تشکیلاتی آن با طبقه کارگر از یک سو و مجموعه وظائف متعددی که رسد جنبش کارگری و دموکراتیک (مخصوصاً در جریان مباحث بهمین و پس از آن) در برابر کمونیستها قرار داده است ، در چنین شرایطی روشن است که هیچ نیروی م.ل. نمی تواند اهمیت وحدت را مورد انکار قرار دهد . بر این اساس ، ایجاد حزب وظیفه مرکزی و محوری کمونیستها را تشکیل میدهد .

حزب به مفهوم واقعی آن ، از تلفیق ثئوری سوسال - لسنی یا جنبش خودمخودی طبقه کارگر بوجود می آید . ایجاد چنین حزبی هم چنین نه بوسیله یک یا چند گروه محدود کمونیستی و نه حدائز شرکت فعال در زندگی مبارزات روزمره طبقه کارگر امکان پذیر خواهد بود . حزب در برسه مستگیری ارتباط و پیوند بسبروهایی م.ل. با جنبش کارگری و بردن ایدئولوژی و سیاست پرولنریا ثی بهمین این جنبش از یک سو و مبارزه ایدئولوژیک این نیروها در پالایش و زدودن ایدئولوژی های غیر پرولنری در سبج جنبش کمونیستی و در همسین رابطه وحدت سیاسی ایدئولوژیک و تشکیلاتی نیروهای م.ل. از سوی دیگر است .

بعقیده ما قرار دادن وحدت دو یا چند گس کمونیستی در نقطه مقابل وظیفه پیوند این گروهها با طبقه کارگر و موکل ساختن امر وحدت نیروهای م.ل. به امر ارتباط سیاسی - تشکیلاتی اسن نیروها با طبقه کارگر همانطور که قبلاً نیز اشاره کردیم ، ناشی از یک دیدگاه اکونومیستی و در عین حال سکتاریستی است ، چرا که سبین دیدگاه نقش عنصر آگاه را مخدوش نموده و سبیرجریان وحدت را که یک عمل آگاهانه و قانونمند این دیدگاه است به یک مجرای کاملاً خودمخودی می اندازد و نتیجتاً جدائی و پراکندگی را بر صفوف جنبش کمونیستی تحمیل می نماید .

ما همچسب اعتقاد به آن ایده ای را که ظاهراً برای از بین بردن پراکندگی موجود در میان کمونیستها و براساس وحدت نسبی مواضع سیاسی ایدئولوژیک ، سبک دوره " اشتلاف" و با " اتحاد سیاسی" را تبلیغ میکنند نادرست میدانیم . این ایده و این نقطه نظر نیز از آنجهت که طی یک دوره " طرف" ، " محل" تشکیلاتی خاصی را پیش شرط و مقدمه وحدت نیروهای م.ل. قرار داده آنرا بصورت یک آلترناتیو در مقابل وحدت سیاسی - ایدئولوژیک و تشکیلاتی گروههای م.ل. در میآورد و الزاماً بر استقلال سیاسی و سازمانی آنها تاکید مسمی و رد ، دیدگاهی فرا کمونیستی و نهایتاً سکتاریستی است .

ما معتقدیم که در جریان مبارزه ایدئولوژیک برای تا مین وحدت ایدئولوژیک سیاسی و تشکیلاتی ، گروههای م.ل. باید و میتوانند با یکدیگر همکاریها ی داشته باشند ، اما این همکاریها می بایست در خدمت وحدت و در

بسنر مبارزه ایدئولوژیک برای تسرب و تحقق بخشیدن به امروحدت باشد و نه جانشینی بجای وحدت . به نظر ما هیچگونه مانع و رادعی برای وحدت گروهها یی که با شناخت نسبتاً کافی از یکدیگر (که این شناخت میتواند از طریق برخورد با نقطه نظرات سیاسی و ایدئولوژیک گروهها و عملکرد و فعالیت آنها در گذشته و حال و بخصوص در کوران مبارزه ایدئولوژیک و فعالیتها ی مشترک در صحنه جنبش دست آید) ، در اساسی ترین زمینهای ایدئولوژیک - سیاسی و تشکیلاتی وحدت نظر دارند ، وجود نخواهد داشت .

ما همچسب مستقیم که همواره مسائل درجه چندی وجود داشته و دارند که اختلاف برسر آنها نمیتواند مانع از وحدت تشکیلاتی گروهها با یکدیگر بشود . آنچه که اهمیت دارد ، وحدت برسر مسائل عمده و اساسی است و نه الزاماً وحدت برسر هرگونه مسائل فرعی و جزئی ، اینگونه اختلافات میتواند اندر درون یک سازمان نیز وجود داشته باشد اما طرح پیشنهادی ما بر اساس اسن دیدگاه از وحدت عبارت خواهد بود از ایجاد " سازمان واحد کمونیستی" که حتی المقدور مجموعه نیروهای ایز جنبش کمونیستی را که ما قانع از چهار ارتباط سیاسی - تشکیلاتی با طبقه کوش میکنند و بر سواطین مسائل سیاسی و ایدئولوژیک و تشکیلاتی وحدت پیدا کرده اند ، در برمیگیرد . این سازمان ، الزاماً بمعنای آن نیست که در سرگمبده تمام نیروهای جنبش کمونیستی باشد ، وجه بسا که ما درآینده و بدست آید گروه مبارزه ایدئو - لوژیک ، با توجه به گرایشات و نظرات سیاسی - ایدئو - لوژیک مختلف در سطح جنبش کمونیستی ، ما دو ویا چند قطب و مرکز (سازمان واحد) کمونیستی روبرو باشیم که هر یک از این مراکز عموماً زمینه جذب اسن با آن گروه

و شکل م.ل. باشد و طبیعتاً در چنان شرایطی هر گروه و تشکیلی با توجه بوحثت سیاسی - ایدئولوژیک خود با هر یک از اسن مراکز ، بطور غالب ، دیگر محلی برای حفظ استقلال گروهی خود نخواهد داشت و در واقع بدون مرز بندی دقیق سیاسی - ایدئولوژیک - تشکیلاتی با هر یک از اسن مراکز هیچگونه توجسبی برای پی ریزی شکل مستقل وجود نخواهد داشت . همچسب " سازمان واحد" کمونیستی" مورد نظر ما ، الزاماً بمعنای حزب ، بمعنای همی که در شماره پیش به آن اشاره کردیم ، نبوده و میتوان آنرا بعنوان نقطه و گام اولیهای برای حزب طبقه کارگر و حرکت آگاهانه ای در جهت سبک کردن صفوف کمونیستها و پاکسازی جنبش کمونیستی از انحرافات گروهگرا نانه و سکتاریستی و در جهت فعالیت در میان طبقه کارگر بجما با آورد هم اکنون با توجه بوحثت نظر نسبی آن که در سبماری از اساسی ترین خطوط ایدئولوژیک و سیاسی در میان سبماری از نیروهای م.ل. با همدیگر وجود دارد و با توجه به زمینه ها و ضرورت عسبی که جنبش در برابر این نیروها قرار داده است ، هرگونه محافظه کاری و مطلق بینی در جهت فراهم ساختن شرایطی که بتواند بوحثت کامل اسین نیروها کمک بنماید ، مردود است ، حکومت اسن ، البته اسن امکان وجود دارد که بدنبال وحدت دو یا چند گروه کمونیستی و در جریان پراکنیک انقلابی ، انشعابات وجدائی - هائی صورت پذیرد ، اسن امر بهیچوجه نباید توجسبی بر جدائی کنونی گروهها از یکدیگر باشد . چرا که بسروز اسعابات ، چند دستگیها و اختلافات ، سعناز وحدت چند گروه و حتی تشکیل " سازمان واحد" ، با تفرقه و پراکندگی کمونی که بر سازمانها و گروههای کمونیستی حاکمیت دارد و حاصل یک تشتت ثئوریک و ایدئولوژیک در درون جنبش کمونیستی و فقدان مبارزه ایدئولوژیک سازمان یافته و جهت دار است ، ما هیئتاً تفاوت داریم .

بدون تردید در جریان قطب بندیهای آتی ، سالم ترین و انقلابی ترین نیروها بر اساس مواضع مشترک پرولنری و با طرد جریانات انحرافی و اپورتونیستی از صفوف خویش ، سازمان و تشکیلی را بوجود خواهند آورد که از کیفیت توان بسا بر بالاتری برخوردار بوده و به بهترین شکلی زمینه را برای ایجاد حزب طبقه کارگر فراهم خواهد نمود .

در باره اهمیت اسن " سازمان واحد" و پلانترم وحدت پیشنهادی ما ، در شماره های آئنده باز هم سخن خواهیم گفت .

مراحل سبهر روی نیروها و امکانات مشهود . در حالیکه اتحاد اینگونه محافل و هماهنگی فعالیت آنها میتواند به پیشبرد فوس سیاسی - تشکیلاتی مادرهسان ما در مبارزات کارگران و همسین بوده هسا کمک شایانی کند . بهمین جهت محافل مارکسیست - لسنیست در کردار سیاسی متهد سوند نا اراسی طریقاً با هماهنگ کردن فعالیتها ی خود و جلوگیری از هر روی سبروه و امکانات ، سسر و امکان وسیعتری برای تسلب و سربو سبج سازماندهی فراهم کند .

سناست متحد نبود و نیروهای خود را هماهنگ سازد ؟ سالفکس اسن محافل هم سبواسندو هم سناست متحد گردند زیرا سرماری ارتباط سیاسی تشکیلاتی با پرولنریا مسلمم معالبت وسبسو همه حاسه ای اسبکه از عهده محافل جداار هم ساسه نیست امکانات محافل محری و غیر مرتسط با یکدیگر سبببوا سب تسلب و تسرب و سازماندهی توده های وسیع کارگری را که هر روز پیشرسه ضرورت اتحاد و تشکل پی می برسد تکا مودک و علاوه بر اسن فعالیت متواری و غیر متمرکز اسن گوسه

* شرط اساسی و اولیه چسب وحدتی ارتباط سیاسی تشکیلاتی ساطعه است . سمدون پیوند ساطعه ، وحدت سازمانی نه ضروری دارد و نه اسحکاسی و بهمین جهت چسب وحدتی نمی تواند اسبکاس واغنی حواسهای پرولنری را ممکس سارد و ساسی ار هم ساسیده خواهد گستا ما آبا اگر وحدت تشکیلاتی محافل مارکسیست - لسنیست موکل نه ارتباط سیاسی - تشکیلاتی با پرولنریا ، اسبببدا سبمهم که محافل مارکسیست - لسنیستی که در جهت ارتباط با پرولنریا موضع گیری کرده اسن نمی توانسد و

هر زمان انقلابی! رفقا! در شرایطی که فحاشی شوم ما ششم آماده است تا با الهای سبها را بر فراز میهنمان بگسترانند...

است، در تحکیم و تقویت صفوف خود محداتنه و مستولانه بکوشیم. گرامی داشت سالروز شهیدانمان رفقا، حسیس فاطمی، مبتلا بلبل مفت، ناصر شایگان شام آسی،...

اوسه فضیلت کلام، این فرزندان خلف خلق، در شرایطی که هم اکنون ۴۲ تن از رفقایمان نیز در زندان رجوع آنهم در "بهار آزادی" به یادشان نشسته اند...

شیخ عزالدین...

در این اجتماع، حدود ده هزار نفر از طبقات مختلف مردم گرد آمده و شدیدا نسبت به شیخ عزالدین حسینی مبارز دایر و واقعا خلقی که سالها مبارز احساسات کردند...

بسم الله الرحمن الرحيم

خواهران و برادران گرامی - سلام و درود مرا بپذیرید خود را سرفراز میدانم که در خدمت شما هستم. عزیمت ما به تهران به دعوت وزیر کشور، جناب صدراع سید جواد انجام گرفت و هدف از این دعوت ملاقات با حضرت آیتالله خمینی و سایر مراجع تقلید...

کند. ما پشتیبانی خود را از تمام آزادیخواهان جهان اعلام میداریم. ما پشتیبانی خود را از ملت فلسطین اعلام میداریم. ملت کرد درود خود را به ملت فلسطین میفرستد. من به جمعیت محترم کرد های مقيم مركز توصیه می نمایم که بیشتر با هم متحد شوند و نگذارند عوامل ارتجاع در میان آنها بنام اسلام و غیر اسلام دود سنگی ایجاد کند...

رفقا! با درود بی پایان به شهدایی که در چنین روزی جان خود را و شیفته رهائی خلق از یوغ بندگی و بردهگی نهادند، همدردی و پشتیبانی قاطع ما را بپذیرید. گرامی باد خاطره شهدای راه آزادی مستحکم باد پیوند نیروهای انقلابی

گرامی باد خاطره مجاهدین شهید محمد مصطفی ثار، سعید حسن، اصغر عزیز زادگان، محمود عسکری زاده و رسول مشکین نام

چهارم خرداد تجلی دیگری از دلایر و صداقتها ی فرزندان راستین خلق ماست، چهارم خرداد الهام بخش آنان است که در راه زحمتکش خلق ورهائی و بهر روزی آنان از سرجان خوش میگذرند. چهارم خرداد با نام مجاهدین عزیز چون محمد و سعید و اصغر و محمود و رسول بر تارک افتخارات و مجاهدتهای انقلابیون ایران میدرخشد. چهارم خرداد بازتاب شکفت انگیز صداقت و صمیمیت انسانهای ارجمندی است که در مبارزه با امپریالیسم و رژیم دست نشانده آن در ایران از هیچ کوشی فروگذار نکردند و در ایفای رسالت انقلابی خود از هر خطری با آغوش باز استقبال کردند و جز به رهائی خلق نیندیشیدند...

آرژانتینات جدید سازمان! پیش بسوی مبارزه با لژ لژیک ضامن وحدت جنبش کمونیستی! آرژانتینات: سازمان چریکهای فدایی خلق ایران

هموطنان مبارز! کمکهای مالی خود را به حساب جاری شماره ۵۸۷ بانک صادرات ایران شعبه امیرآباد جنوبی ۱۳۲۹ واریز نمایند.

● اجزای طرح نواز ستاری در عمان مشکلات دیم امکانات نین برای انقلاب فراهم آورد .
● امپریالیسم آمریکا راهسای جدیدی برای غارت عمان فراهم آورد .
● توانستم راه را برگزینم برای نادرست چه ماجراجویانه و چه تسلیم طلبانه بر بندهم .

و بیچده بویزه که این اقدام باید همه جانبه بوده هیچ حسهای را از قلم سیاستمدار و با توجه باینکه درجه اهمیت رمیبهای عمل مری میکند آطور نباشد که منطقه را شامل شود و دیگری را نه و یا روستا را در بر گسرد و شهر را فراموش کند .
دشمن در کمی ماس و به اقدامات احتیاطی شدسد و گسردهای دست میزند ، عناصر میهن پرست و حتی هم - وطنان سبکنا را طی دستگیریهای بیایی بزدان می -

در شماره پیش طی مقاله ای به تاریخ مبارزاتی خلق عمان اشاره کردیم و وعده دادیم که ترجمه مصاحبه ای را که مجله الهدف ، ارگان جنبه خلقی برای آزادی فلسطینس نارئیس کمیته اجرائی مرکزی جنبه - خلقی برای آزادی عمان رفیق عبدالعزیز القاضی ترنسداده و در شماره ۳ مارس ۱۳۷۹ (۱۳ اسفند گذشته) آن مجله چاپ شده است برای اطلاع خوانندگان عزیز بمنظور تحکیم روابط مبارزاتی بین خلفهای ایران و عمان ببیاوریم ، اینک ترجمه آن مصاحبه :

مصاحبه با یکی از رهبران انقلاب عمان رفیق عبدالعزیز القاضی

نقل از مجله الهدف

اندازد و این البته امری است طبیعی که با توجه به ماهیت امپریالیستی ، ارتجاعی و پلیسی دشمن تعجبی ندارد خصوصاً با توجه به اینکه رژیم حاکم و ارسانان او خود سز حریف حریف را که مدام در دستگاههای خسری خود تکرار میکنند و منگوبند که خطرات انقلاب بی پایان رسیده و رژیم از شات برخوردار است باور ندارند . آخر آنها صرمنظر از ساوهای نسلبغا تبشان بحوبی درک و بطور رور مره لمس میکنند که انقلاب همچنان موجود و پابرس جاست و خطراتی که آنها را تهدید میکند کمکان وجود دارند ، در رمینة موانع و مشکلاتی که بر سر راه ما وجود دارد همچنان باید از کمبود کادر و تاثیرات ناشی از طرز تفکر قبیله ای و ایدئولوژی قبیله ای و بقایای سواد کامل با جزئی حتی در صفوف بسیجی از اعضاء سخن گفت . اشکالات و موانع مشابه دیگری نیز بخصوص در جامعه ای مثل ما وجود دارد . ما فعالان و مسمر و درحسب امکانان مسکوشم که برای موانع و مشکلات فاش آئیم . کلبه موانع و مشکلات را میتوان تدریجاً در عمل از بین برد ، البته با عملی درست و کفافی که در سمت نایبوی آن موانع انجام شود .



س : ار مانی که ساسعار : " در راه بار ساری محمد خود ار لحاظ مکرری ، ساسی و نظامی و ادامه جنگ انقلابی مبارزه کنیم " را مطرح کردند مدعی میگردد اس شعار سزار عقب نشینی سروهای سما از مناطق آزاد شده طرح گردید . سؤال این است که مبارزه سما در راه بار ساری محدود نکما رسده ، دست آوردهای شما در ایراه چه بوده و سا چه مشکلاتی مواه بوده اسد ؟
ج : ما یلم قبل از هر چیز یک نکته را توضیح دهم و آن اینکه پس از شکست نظامی موقت نیروهای ما در میدان نبرد و عقب نشینی بزرگ ما از منطقه غربی استان جنوبی عمان ما با مرحله ای روبرو شدیم که تقریباً یکسال طول کشید از ژانویه ۷۶ تا ژانویه ۱۹۷۷ . مشخصه این مرحله عبارت بود از نمودهای متعدد رکود در اوضاع انقلاب در طغفار و بروز هرج و مرج و اختلافات و از هم گسیختگی صفوف درونی انقلاب و مباحثاتی فراوان که در داخل جنبه و چه خارج از آن ، بنظر ما این امر از یکسو نتیجه مستقیم شکست موقت و عقب نشینی بزرگ ما و عواقب و عکس العملها و تاثیرات عمیقی بود که در نتیجه آندو در روحیه مردم پدید آمد و از سوی دیگر نتیجه غیر مستقیم اختلافات دیرین در رهبری آنزمان و مجموعه اشتباهات و نقطه ضعفهای بود که در بافت داخلی جنبه وجود داشت .
براین اساس این اجرای برنامه مرحله ای طرح شده از طرف رهبری که نتیجه سومین نشست آن بود و در شعاری کسه ذکر گردیده تجلی مییافت دقیقاً از فوریه سال ۷۷ یعنی درست یکسال و یازده ماه پیش آغاز گردید . طی این مدت ما گام بزرگ و مهمی در راه اجرای مواد طرح شده در برنامه مزبور برداشته ایم ، برنامه ای که وظایف و طرز توجه در آن را با ایجاد نظام میتوان در شعار " در راه بازسازی تکرری و سیاسی و نظامی خود و ادامه جنگ انقلابی مبارزه کنیم " مشاهده نمود .

● اشکال جدید غارت

س : طی سالهای اخیر سلطان بنین عمان شاهد تحولات ساسی و اقتصادی مخصوص در محافل وابسته رژیم و مؤسسات آن بوده است . آیا ممکن است طرح کلی این تحولات را برای ما ترسم کنید ؟
ج : از زمان اجرای نمائش کودتای انگلیسی ها و رویکار آمدن فایوس بجای پدرش ، حکومت متشکل از مستشاران انگلیسی و دست نشانده جدید شان قابوس میکوشد مجموعه ای از اقدامات مدرنیزه کردن و اصلاحات اداری و اقتصادی و سیاسی را پیاده کند ، این امر بطور کلی زما هیت عملکرد امپریالیسم در همه جای جهان سرچشمه میگردد .

● اخراج نیروها و پایگاه های سبگانه و تجا و زگر - کلب اشکال آن و تحق استقلال حقیقی و اعطاء آزادیهای (فردی و اجتماعی) و بی ریزی یک ساست خارجی مستقل ، بطرف و صلحجو .

امپریالیسم زمانیکه احساس کند که نسبت به نفوذ و منافع آن در کشورهای وابسته خطر رو به فزونی میرود به سوه کودتاهای ظاهری و تغییر چهره ها و بورخسی و اصلاحات و عقب نشینی هاشکه منافع آنرا در اساس در معرض خطر قرار می دهد پناه میبرد . این شیوه عمل اس فرمول حدت استعمار و غارت دارا اشبای خلق ها ، در اصل شیوه ایست که امپریالیسم آمریکا بوضوح و بنحو ی گسترده پس از جنگ جهانی دوم و پس از آنکه نتایج جنگ توازن جدیدی نری از لحاظ ساسی ، اقتصاد دیونظامی در بهت جهان وجود آمد پیاده کرده است . اما نیروهای امریالیستی جهانی آن اشکالی و انگلیسی و غیره بخصوص در برابر همسنگی متبسی و تشریک روز افزون اردوگاه سوسالیستی در اوضاع جهان و در برابر گسترش موج آزادیخواهانسه خلقها و فضا های اوچ گیرنده آنان ، میکوشند فسادها و کسکشیای بین خود را تخفیف دهند و در بسیاری از موارد اقداماتشان را هماهنگ سازند و از تجارب و ابتکارات یکدیگر سود حوند .

● طی مرحله گذشته در زمینه آموزش نظامی جنگجویان و سالیاردن سطح قدرت نظامی آنان سز به پیشرفت های نائل آمده ایم . آنچه گفته شد اشاره ای اس به مهمترین دست آوردها و خطوط کلی و عام مسائل . بدین است وقتی در موقعیت پسرمت در زمینه های ذکر شده صحبت میکنم صرفاً امری مقایسه ای اس آنچه قبلاً یعنی حدود دو سال پیش بود و آنچه الان هست می باشد .

بسی سربین همراه با شدت گرفتن " خطر " انقلاب انگلیسی ، با همکاری و مشورت های امپریالیسم آمریکا سعی کردند برخی اصلاحات را به سلطان بنین عمان وارد کند . ابتدا سلطان سابق را برداشتند و سلطان جدید را از طریق یک کودتای نظامی که طرح آنرا انگلیسها ریخته بودند و اسرآن انگلیسی مستقیماً خود آنرا پیاده کردند ، بر سر کار آوردند .

● اوضاع ما در کلیه رمیبهای ذکر شده و در زمینه های دیگر همچنان سنا رمنند تعویب و تکامل است ، هوز سفاط ضعف آنکاری داریم که نیازمند علاج و بهبودند کما اینکه بخش مهمی از برنامه مرحله ای هنوز سالیان نرسده اس . طبیعی اس سوسمی منگوز سشرود و وظایف بر حسب همان برنامه وجود دارد که هنوز انجام نشده ، سدس معنی نسبت که کار را باید در این مرحله تا تکمیل شروط و وظایف مزبور متوقف کرد . مبارزه ما علیه دشمنان خلفمان طی مرحله ای که از پیاده شدن آن برنامه گذشته هرگز متوقف نشده چه در اشکال مختلف سیاسی و سوده ای و چه در اشکال مسلحانه و خونآزمیز . ما کلبه ایس اشکال مبارزاتی مختلف را بر طی روح و معنوی برنامه مرحله ای ادامه داده و میدهم . برحسب این برنامه اولویت از آن باز سازی اوضاع داخلی و تعویب و تصحیح آن است ، همراه با ادامه مبارزات مختلف در چارچوب امکانات عسنی و ذهنی موجود و در محدوده ای که مانع بشرویی مادر تکمیل و بساده کردن وظایف مرحله ای مربوط به باز سازی مجدد خود ساشد .

حکومتی را که در اس آن سلطان قرار داشت تشکیل دادند و شورای وزیرانی را بوجود آوردند که از افراد خادان سلطنت و برخی شخصیت های سیاسی سنتی و عسده معدودی از فارغ التحصیلان دانشگاه های خارج با دو وزیر انگلیسی که بطور رسمی از آنها اسم برده نشد و وزارت دفاع و دارائی را بعهده داشتند تشکیل میدند ، دستگاه های دولتی دیگر منجمله ارتش ، پلیس ، پلیس مخفی ، دادگاه ها ، زندانها ، ادارات و دستگاه های غیر نظامی

● بازسازی خود ، عملی دشوار

● اما در مورد مشکلاتی که در راه بازسازی مجدد خود با آن روبرو بوده اس ما به گفتم که ما واقعا با موانع و دشواریهای مواج بوده ایم و البته در این راه و سز دیگر راه های مبارزه ، این امری طبیعی است . اقدام به بازسازی مجدد خود و تصحیح و تحکیم اوضاع جنبه در کلبه زمسته ها و سطوح ، اقدامی است سسلساق

در پرتو رهنمود این برنامه معنی برنامه مرحله ای داخلی که از سوی رهبری مرکزی تصویب شده بود و در نتیجه پیاده کردن خط مشی برنامه مزبور از همان ماه های اول اجرای برنامه ، توانستیم عواقب و عکس العملهای منفی را که نتیجه مستقیم شکست موقت نظامی و عقب نشینی بزرگ ما بود حتی الامکان محدود کرده ، از گسترش آن جلوگیری کنیم و توانستیم راه را برگزینیم برای نادرست ، جسسه ماجراجویانه و چه تسلیم طلبانه بر بندهم ، بطوریکه اندیشه های درست و خط مشی انقلابی صحیحی را که برنامه مزبور اراکه مبداء کلبه فعالیتها مان را در برگرداند . آن برنامه گرا بشبای نادرستی را که پس از شکست موقت و عقب نشینی چه بصورت خود بخودی و چه آگاهانه با اشکال مختلف ماجراجویی و تسلیم طلبی تبلور مییافت بطور کامل و نهائی نایبود سیمارزد .

● طی مدت زمانی که از اجرای این برنامه و عمل بر حسب شعار مذکور گذشته است ما پیشرفت مهمی قابل ملاحظه ای در بالابردن سطح ایدئولوژیک اعضاء چه در مدار رهبری و چه در مدار کادرها و سوده های سازمانی با نتجسام رسانده ایم ، همچنین در زمینه تحکیم وحدت تشکلاتی جنبه قدمهای بزرگی برداشته ایم . مسئله اخیر تا حد زیادی مربوط به وحدتی است که از لحاظ ایدئولوژیک و خط مشی سیاسی در جنبه و جود داشته و همراه با قواعد و شیوه های صحیح سازماندهی متکی بر قوانین سانترالیسم دیمکراتیک پیاده شده است . در زمینه گسترش هسته های مخفی و علنی سازمانی نیز پیشرفتهای قابل توجهی داشته ایم چندین سازمان سوده ای بمنظور جلب و جذب سوده ها و اهتمام جدهانه به خواسته های روزمره آنان و جهت دادن به این خواسته ها و دفاع از آنها بوجود آورده ایم همچنین به پیشرفتهای در زمینه گسترش پایگاه اجتماعی انقلاب نائل آمده ایم ، این اقدام ما از این سستگاه سرچشمه میگردد که ما معتقدیم انقلاب عمان در مرحله کنونی باید سراسر گسترده ترین اتحاد ممکن بین طبقات خلقی و براساس برنامه حداقلی استوار باشد که وظایف اساسی مشترک را بنحو زیر بنان میدارد :

در شرایط مشخص کشور ما که بیش از ۵۰ درصد جمعیت آنرا ملیت‌های تحت ستم تشکیل می‌دهند، هیچ تغییر بنیادی و هیچ تحول انقلابی بدون حل مسئله ملی و تامین حقوق خلقها میسر نیست. بدون جلب اعتماد و پشتیبانی فعالان مسلمان و بیدریغ ملیتها مبارزه سرگ خلقهای ایران بسراى نابودى کامل امپریالیسم و بنای ایران آزاد و دموکراتیک نمی تواند به پیروزی نهائی برسد.

آینده جنبش ملی

حال بیستیم با توجه به شرایط کنونی سرنوشت جنبش‌های ملی به کجا خواهد کشید؟ آیا خلقهای ایران خواهند توانست به حقوق ملی خود دست یابند؟ اصولا نخت چه شرایطی احقاق حقوق ملی ممکن است؟

جواب ما روشن است. سیستم فعلی حکومتی قادر به حل مسئله ملی نیست زیرا که قادر به درک موضوع نمی باشد. او نمی تواند به دستگیری و اجافات ملی پایا ن دهد و برابری تام و تمام حقوق ملیتها را تامین نماید. خلقها در چنین شرایطی نمی توانند به حقوق ملی خود دست یابند و به تعذیبات، توهین و تحقیرهای که نسبت به غرور و احساسات ملی شان وارد می آید، خاتمه دهند. آنها همچنین نمی توانند در چنین شرایطی هویت ملی خود را بازیابند، خود را بصورت ملت کمالی قوام دهند و سرزمین خویش را از قید و بند عقب ماندگویی فاحش‌رهاى داده، آنرا به صورت یک واحد اقتصادی زنده، یکنواخت و پویا درآورند. جنبشهای ملی در چنین شرایطی آینده ای جز شکست نخواهند داشت مگر اینکه تمامی تلاش خود را در خدمت تحکیم وحدت و همبستگی خلقهای سراسر ایران و بیبوند ارگانیک جنبشهای ملی با انقلاب دموکراتیک و ضد امپریالیستی سراسری و حرکت در جهت نابودی کامل حاکمیت و نفوذ امپریالیسم در سراسر میهنمان بکار ببرند.

جنبش‌های ملی خلقهای ایران تنها وقتی خواهند توانست از عهده انجام وظایف تاریخی خود برآیند که به سلطه و نفوذ امپریالیسم در تمامی پهنه‌های اجتماعی میهنمان خاتمه داده شود.

سیستم فعلی حکومتی همچنان با به سکوت مذهبانه و با ظفره روی از دادن پاسخ لازم خود در باره حقانیت جنبش‌های ملی و تامین خواسته‌های آن ادامه میدهد و بنا به تعلقات طبقاتی اش (در سطور بعد، توضیح خواهیم داد) بناچار در آینده نیز ادامه خواهد داد، حداقل به یک سری از خواسته‌های فرهنگی خلقها پاسخ خواهد داد. او در صورت رشد و دامنگیری این جنبش‌ها چاره‌ای ندارد جز اینکه تحت لوای نجات میهن و نجات انقلاب به سرکوبی بیرحمانه متوسل شده، خلقها را به خاک و خون کشد.

اگر توان و وسعت جنبش‌های ملی چنان باشد که از حمایت بیدریغ و وسیع توده‌ها برخوردار باشد طوری که با سرکوب و تخطئه کاری نتواند از پیش‌بیرد، بناچار برای آرام کردن اوضاع و تحکیم موقعیت خود بر سرمایه سازش و مصالحه با نفوذالها و بورژوازی و خیانت به خلقها خواهد نشست، کاری که در حال حاضر نیز تا حدودی انجام میدهد. تصور دست یابی به حقوق ملی در چارچوب چنین حکومتی بجز خام خیالی، ساده‌گویی، خوش باوری و فریب‌سودها چیر دبحری نمی سوند باشد. اگر جنبش‌های ملی در جهت نابودی کامل سلطه و نفوذ امپریالیسم حرکت نکنند و ذهن توده‌ها را نسبتا به اهداف عادلانه خود روشن سازند، روبروز ناسیونالیسم ارتجاعی بورژوازی زمینة رشد بیشتری یافته و ذهن توده‌ها را در چهارچوب تنگ و فاسد کشنده خود به بند خواهد کشید.

در این حالت بورژوازی، فئودالها و عناصر ارتجاعی فرصت مناسبی بدست خواهند آورد تا عنان جنبش‌های ملی را البته با پشتیبانی و حمایت دولت مرکزی بدست خودگیرند. از خلقها بعنوان گوشت دم توب استفاده کرده و برای تقسیم غنائم و حفظ موقعیت ممتاز و استثمار گرانه قبیلی خود با بورژوازی حاکم به سازش آشکارو بی پرده تن در دهند. در چنین صورتی این خطر هست که امپریالیستها و عناصر ارتجاعی براحاطی بتوانند در درون جنبش‌های ملی نفوذ کرده و با هیاهوی فئودالها، بورژوازی و عناصر ارتجاعی از احساسات و شور ملی خلقها در جهت تضعیف هرچه بیشتر انقلاب فدا میربالیستی و امیال و اهداف تجزیه طلبانه و ارتجاعی البته در قالبی مردم پسند - خود مختاری از نوع فئودالی - سوا استفاده کنند.

در چنین شرایطی نیروهای دمکرات و بخصوص م. ل. ها میبایست با هم‌رزمی دقیق، افشا و طرد مداوم و خستگی ناپذیری فئودالها و عناصر ارتجاعی و یکپارگی توده‌های زحمتکش و بخصوص دهقانان، آموزش و سازماندهی آنها، جنبش‌های ملی را از آلودگی‌ها و انحرافات ذکر شده میرا

مختلف را بسواری کردند و سلطان نشین عمان را بعنوان دولتی مستقل به جهانیا ن معرفی کرده ابتدا آنرا به جامعه دول عربی وارد نموده در سازمان ملل نیز به رسمیت شنا ساندند، و بالاخره دروازه‌های عمان را چهارطاقی در برابر احصارات و شرکتیهای خارجی از هر سابعیت کسه باشند از آمریکا و انگلیسی گرفته تا فرانسوی، ژاپنی، کره جنوبی، آلمان غربی و کانادائی و ایرانی آنها با شرایط و قراردادهای ظالمانه‌ای که درمکترجاشی از دنیا میتوان سراع داد ساز گذاردند.

برخی اصلاحات خدماتی در زمینه بهداشت و آموزش و حمل و نقل نیز به عمان وارد کردند.

اصلاحاتی از این دست در برخی از کشورهای همسایه عمان بنحو گسترده تر و بزرگتری به مرحله اجرا درآمده است. این اصلاحات هرچند در عمان سطحی و محدودانند اما در نظر یک مرد عمانی در مقایسه با آنچه او قبیل از سال ۱۹۷۰ با آن سروکار داشته است چه بسا بزرگ و عمیق جلوه کند، یا حداقل مینوان گفت که طی ۶ - ۵ سال اول حاکمیت این رژیم، مرد عمانی ممکن بود چنین تصویری را داشته باشد.

بموازات این اصلاحات در عمان تعداد دروازه‌های از سیروهای بیگانه بمان سرازیر شدند و بیگانه‌ها بیشتر برای بیگانه‌ساز بوجود آمد همچنین سرکوب و خفقان و محرومیت مردم از ابتدائی ترین آزادیهای فردی و دمکراتیک به موازات آن شدت یافت. مظهر فساد سیاسی، اداری و اخلاقی و رشوه خواری و دزدی روز بروز بیشتر شد.

شاید برای همگان روشن باشد که از مجموع اصلاحات رژیم از ۱۹۷۰ تا کنون بیش از هرکس خود رژیم و اربابان امپریالیست آن و شرکتیهای انحصاری خارجی و بخشی از بازرگانان بزرگ محلی (کمپرادور) سود میبرند. اغلب این اصلاحات بصورتی انجام شده است که مستقیما بسا در خدمت هدفهای نظامی و امنیتی سرکوبگران قرار گیرد یا در خدمت اهدافی که بشفع بهره‌بردارها و غارت‌کشور بوسله بیگانگان باشد یا بشفع آژانسهای تجاری بیگانه و محلی. از همه اینها نصیب مردم جز چیزی بسیار اندک نیست که عبارت است از برخی اصلاحات محدود در زمینه خدمات بهداشتی، فرهنگی و بکار گماردن بخش بسیمای، محدودی از عمانی‌های بکار.

این نکته را نیز باید مورد توجه قرار دهیم که مجموعه اصلاحاتی که رژیم عملی کرده بک سلسله واقعیات و آثار و ارقام جدیدی را در اوضاع طبقاتی و اجتماعی خلق ما پدید آورده و میآورد؛ همانگونه که ناراضیها و مشکلات جدیدی را نیز در زندگی کارگران، دهقانان و اقشار دیگر اجتماعی نظیر بازرگانان، محصلین، ماهیگیران و لپوچانان ببار آورده و سآورد. چنین پدیده‌ای هنوز ادامه دارد و روز به روز عمق بیشتری پیدا میکند؛ اینها واقعیات اجتماعی جدیدی هستند که قبل از سال ۱۹۷۰ وجود خارجی نداشتند، منافع جدیدی رشد میکنند و منافع دیگری مورد تهدید قرار میگیرد، امکانات و نیروهای جدید خلقی و طبقاتی که پیش از این وجود نداشتند ناراضیها و مشکلات و خواسته‌های جدیدی برای اقشار مختلف باطن مطرح است که پیش از این یعنی در دوره رژیم سابق باطن وجود نداشت یا به عمق که امروزه هرگز نبود. دشمن ملی و طبقاتی خلق ما امروز بیش از هر زمان دیگر بصورت روز مره و ملموس خود را مینمایاند.

بطور کلی ما معتقد ایم که انقلاب و پیشاهنگس آن "جهبه خلقی برای آزادی عمان" از این وضع استفاده میکند و باید بکند و اصلاحاتی که بوجود آمده و پیامدهای که با خود آورده همگی بشفع انقلاب، بشفع تکامل و در جهت پیروزی آنست. رژیم مستشاران انگلیسی و دست نشانده آنها قابوس به برخی اصلاحات و عقب نشینیها دست میزند، ابتکار را بدست انجام میدهد تا بدست قوی تر راست بر سرکوب و استبداد و غارت و استثمار و بر مشکلات ما در سطح ملی هرچه بیشتر بیا فزاید انگلستان کوشید تا فرمول استثمار نو را در عمان پیاده کند اما آنرا استثمار کلا ملامس شده پیاده نمود و شکل دوگانه‌ای از استثمار قدیم و جدید را که از لحاظ ملی متحدی است بر منافع خانها بنوسید (قابوس و...) و یک قشر رقی با بنده کمپرادور - زمیندار - منافع آن با اشکال محدودی از فئودالیسم در هم آمیخته است، بوجود آورد.

انگلسنان در حالی که میکوشد فرمول استثمار نو را در عمان پیاده کند تمام موجودیت مستقیم نظامی و سیاسی سابق خویش را حفظ میکند و بر تعداد مستشاران و فرماندهان خود در زمینه‌های مختلف و مؤسسات نظامی و غیر نظامی میافزاید. علاوه بر اینها مستقیما در حکومت نیز مشارکت دارد.

دارند و آنرا در مسیری درست و در جهت تحقق بخشیدن به اهداف انقلاب دمکراتیک و فدا میربالیستی قرار دهند. برای ارزیابی و هرچه روشن تر شدن دیدگاه خود بهتر است قدری بیشتر مکتب نما شیم. ما قیلاکوشن کردیم از نظر تاریخی و سنوریک ناتوانی بورژوازی را در تحقق بخشیدن به خواسته‌های عادلانه خلقها در عمر امپریالیسم توضیح دهیم. در اینجا آنرا از جنبه دیگری توضیح می دهیم.

سیاست سیستم حاکم در مقابل مسئله ملی

پس از سرنگونی رژیم سلطنتی، بورژوازی لیبرال به یمن پنداربا فیهی ا رهبران خرده بورژوازی و علل مشخص دیگر بر مسند قدرت خزید و رهبران خرده بورژوازی علیرغم قدرت و پشتیبانی توده‌های وسیع مردم، درکنار بورژوازی (بورژوازی لیبرال و لایبه‌های از بورژوازی کمپرادور) قرار گرفته و تمام کوشش و نفوذ توده‌های خود را در جهت تقویت و تأکید بورژوازی بکار بردند. در این دوره سیاست تغییرناپذیر و همبستگی سیستم حکومتی در مقابل جنبش‌های ملی سکوت مذهبانه و ظفره روی از پاسخ مشخص بوده است. مسئولین امور وقتی جنبش‌های ملی اوج گرفتند و خلقها برای کسب حقوق ملی خود پای فترند، طوری که امکان سکوت و انکار مطلق را از آنان سلب نمود، نه تنها بر حقانیت این جنبش‌ها صحه نگذاشتند، نه تنها برای تامین خواسته‌های بحق خلقها قدمی بجلبو برداشتند، بلکه با تعجب فراوان که چطور کسانی پیدا شده‌اند و حرفهای مغایر و راهی متفاوت از آنچه آنها میروند بر زبان میآورند، به انکار موجودیت ملی خلقها پرداختند. از نظر آنها همه اهل سنت واحد... و ملت واحد هستند. آنها خود از مفهوم مسئله ملی که بر زمینه‌های اقتصادی، سیاسی و فرهنگی، و بر اثر عوامل تاریخی مشخص شکل گرفته است، فقط و فقط "اهل سنت" را درک کردند و عنوان "ما با برادران اهل سنت خود هیچ اختلافی نداریم" آبپاکی بروی جنبشهای ملی ریخته، و خیال خود را آسوده ساختند.

البته کاردرهمین جا فیصله نیافت و همراه بسا اوج گیری جنبشهای ملی، آنها راه چاره دیگری ندیدند جز اینکه عدم توانائی خود را از درک و حل مسئله ملی با تخطئه این جنبش‌ها لایوشانی کرده، آنها را کنار عوامل فدا انقلاب (م) قلمداد کنند. آنها بالاخره بسا فراتر گذاشته و کار را به سرکوب و کشتار خلقها بسراى "آرام نمودن" اوضاع کشیدند و باز با این بهانه "آنها که مینهن در خطر است." فصل ویرانگری انقلاب بسپا ن رسیده و هرکس در هر نقطه از کشور اقدام به آشوب و تحریک نماید، فدا انقلابی بوده و... شدیدا به کیفر خواهد رسید. ("اعلامیه" ستاد ارتش به مناسبت حوادث سنجند). البته اوج گیری بی سابقه جنبش‌های ملی در کردستان و سنجند و نیاز مبرم سیستم حکومتی بسه نشیبت هرچه سریعتر موقعیت خویش، وی را ناچار ساخت که به قبول ظاهری خود مختاری تن در دهد. ظاهری از اینجست که در حرف خود مختاری را بپذیرد و در عمل بسا سپردن قدرت به عوامل خود فئودالها، رهبر سیستم خود - مختاری را بدست خود گیرد. این تلاشی بود در جهت فریب توده‌ها و خالی کردن جنبش‌های ملی از محتوای واقعی و انقلابی خود.

این خود مختاری حدمرزی نمی شناخت و متعلق به سراسر ایران بود و در حقیقت کوششی بود در این جهت که نشان دهد چگونه سیستم فعلی حکومتی از درک و حل مسئله ملی عاجز ناتوان است (ما در شماره قبل به تفصیل در این باره حرف زده ایم).

خلاصه کنیم: دولت تا بحال برنامه مدون و قابل اتکائی در مورد مسئله ملی (همچنانکه در مورد سایر مسائل) ارائه نداده و بنا به ماهیت طبقاتی اش نمیی تواند هم ارائه بدهد. او به دولت اساسی و مشخص زیر قادر نیست به ستم ملی پایان دهد. اول اینکه بهیچوجه توانائی ملی مبارزه بی گمرو قاطع برای آزادی کامل و بی چون و چرای سلطه امپریالیسم را ندارد. دوم اینکه اندیشه بازار اورا در موضع شونبستی قرار داده، از دیدن واقعیت وجودی ملیتها و حقانیت خوا - سنه نشان عاجز میسازد.

ادامه دارد

(*) - البته ما همچنانکه قبلانیز گفته ایم حوادث سنجند ج را که مشخصا توسط عناصر ارتجاعی آفریده شد، فدا انقلابی می دانیم، منتبھی رهبران کنونی عادت کرده اند هرگونه حرکت انقلابی خلقها را در جهت احقاق حقوق ملی "فدا انقلابی جلوه دهند.

امبارزات و اعتصابات کارگری

اند و این ناپسند ترین کاری بود که معارض مدتها کار کردن در اینجا شاهد بودیم از شما تقاضا داریم با اعزام نمایندگان خود قبل از عمل کارگران وضع زندگی ما را از نزدیک دیده و به این کار پاسداران رسیدگی کنید . تعداد زیادی از قفلها را در غیاب صاحبانش شکستند .

در این شماره اخباری داریم از کارگران بیکار که قسمت عمده آنها نحص و درخواستهای کارگران با اختتامی تشکیل داده است . وجه مشترک این نحص ها ، پراکندگی ، ضعف شکل و عدم پیگیری کامی می باشد که این از خصوصیات کارگران ساختمان و ناسی از مسأله طغفانی آنهاست . اما ، نداری و فشار زندگی از کطرف و ناموسی بودن مسازده فردی از طرف دیگر آنها را بطور مداوم به هم نزدیک مسازد و در یک صف قرار میدهد .

تخص کارگران گیلد در سیستان

" دفتر سیاسی طرفداران طبقه کارگر " در مسجد سلیمان ضمن گزارشی از اجتماع کارگران بیکار گیلارد سیستان ، به توضیح علل بیکاری پرداخته است . در قسمتی از این گزارش چنین می خوانیم : صبح پنج شنبه ۵۸/۱/۲۳ حدود ۳۰ نفر از کارگران اخراجی گیلارد و سیستان که حدود ۴ ماه قبل اخراج شده اند جلوی اداره کار شوشتر گرد آمدند تا درباره بازگشت به سرکار و دریافت حقوق و مزایای عقب افتاده شان با نمایندگان کارفرما مذاکره کنند . همه کارگران این شرکت ۴ ماه قبل در رابطه با جنبش دست به اعتصاب زده و توسط کارفرما اخراج شده اند . آنان در این جا مثل تمام کارگران بیکار در سراسر ایران با جـواب آشنای " چون کار خوابیده است ، نمی توانیم شما را استخدام کنیم " روبرو شدند .

کارگران پس از اینکه تلاشهای رئیس اداره کار برای تفرقه اندازی در بین کارگران به نتیجه ای نرسیده ، از میان خود چهار نماینده انتخاب کردند که بدنهال آن نمایندگان در جلو کارگران خواسته ها را در ۲ ورق نوشته و یکی را به اداره کار دادند و دیگری را در نزد خود نگه داشتند . ولی هنوز که هنوز است کارگران هر روز می آیند و از کار خود نتیجه نگرفته اند . در قسمت دیگر گزارش بعد م آگاهی کافی کارگران نسبت به چگونگی گرفتن حقوق خود که جزا زده اعمال قدرت و هتسنگی میسر نیست ، اشاره شده است .

خواستهای کارگران بیکار شده شرکت فنج : ۱

ما کارگران بیکار شده شرکت فنج که از تاریخ ۵۷/۷/۱۵ بیکار شده ایم علاوه بر اینکه حق بیکاری را به ما نداده اند حقوق چند برجی را که کار کرده ایم نیز پرداخت نکرده اند بطوریکه تعدادی از کارگران حقوق یک سال خود را دریافت نداشتند . ضمناً اعلام می کنیم که آقای محمد نبوی رئیس اداره کار ایران شماره اول آبان ماه ۵۷ ضمانت کرد که تا ششم همان برج حقوق ما بطور کامل پرداخت گردد ، حال ما اینکه تا کنون هیچ اقدامی در این مورد نکرده است . حال ما خواستهای برج خود را در زیر اعلام می کنیم و چنانچه به آنها جواب داده نشود در اداره کار متحصن خواهیم شد تا به خواستهای ما پاسخ داده شود :
۱ - حقوق عقب افتاده بطور کامل باید پرداخت شود .
۲ - حقیقه از کارگران نباید کسر شود ، چون از امکانات درمانی هیچ استفاده ای نکرده اند .
۳ - برای کلیه کارگرانی که بیکار شده اند باید کار فراهم کرد .
۴ - حقوق مدت بیکاری باید پرداخت شود .
۵ - از کارگران نباید مالیات کسر شود .
۶ - حقوق یک ماه مرخصی کارگرانیکه یکسال کار کرده اند و از مرخصی استفاده نکرده اند باید پرداخت شود .
۷ - از خواستهای کارگران بیکار متحصن در زاهدان پشتیبانی می کنیم .

کارگران بیکار متحصن شرکت فنج

سازمان دمکراتیک مردم بلوچستان طی اعلامیه ای پشتیبانی خود را از خواستهای کارگران بیکار اعلام کرده و از همه نیروهای مبارز که از حقوق زحمتکشان طرفداری می کنند خواسته است که از خواستهای کارگران متحصن در ادرا کار ایران شماره پشتیبانی کنند .

خواستهای شورای کارگران موقت کارگران ایران شهر :

ما کارگران شرکت های مختلف ایران شهر با اتفاق کارگران بیکار بعد از یک راهپیمایی که بمناسبت روز جهانی کارگر در روز ۱۱ اردیبهشت (اول ماه مه) انجام شد نمایندگان خود را از خود تعیین کردیم که این نمایندگان شورای موقت کارگران را تشکیل می دهند که با اتفاق قطعه نامه زیر را صادر و انجام اترا هر چه زودتر از دولت خواستاریم :
۱- امور همسران کارگران و کارگاهها بدست خود کارگران یعنی شورا های منتخب آنها سپرده شود و دولت نیز این شورا ها را باید برسمیت بشناسد .
۲- قانون کار فعلی باید تغییر کند و با کمک خود کارگران (شورای آنها) قانون کار جدیدی نوشته شود .

۳- حقوق کارگران باید بر اساس هزینه زندگی تعیین شود و یا بالا رفتن قیمتها بهمان نسبت اضافه شود .
۴- از حقوق و مزایای کارگران نباید مالیات کسر شود .
۵- خدمات درمانی و بهداشتی (پزشک ، دارو ، بهداشتی و بیمارستان) بطور رایگان فراهم و حق بیمه از آنها کسر نگردد .
۶- هر چه زودتر برای کارگران و دیگر زحمتکشان مسکن بطور رایگان تهیه شود .
۷- حقوق کارگران در ایام بیماری و یا بستری و یا استراحت بدستور پزشک بطور کامل پرداخت گردد .
۸- با پرداخت کامل مزد مدت کار باید ۴ ساعت در هفته (۸ ساعت در روز) باشد بطوریکه کارگران پنجشنبه و جمعه تعطیل شوند و در صورت کار دو برابر مزد دریافت کنند .
۹- همه کسانیکه با رژیم سابق همکاری و حقوق کارگران و دیگر زحمتکشان را پایمال کرده اند از محیط کار اخراج شوند .
۱۰- همه پیمانکاران و کارفرمایان خارجی باید از کشور اخراج و اموال آنها به نفع کارگران جمع آوری شود .
۱۱- بین کارگران و کارمندان از نظر تعطیلات فرقی نباشد و کارگران در سال یکماه مرخصی داشته باشند .
۱۲- آئین نامه انطباقی که کارگران را به نفع کارفرمایان اخراج و جریمه میکند باید از بین برود .
۱۳- کلیه نیروهای انتظامی مانند پلیس ، ژاندارمری و ... نباید در مسائل کارگری دخالت نمایند .
۱۴- شوراهای شرکتها و کارگاهها در همه امور شرکتها از قبیل مخارج ، مزد ، استخدام و ... شرکت فعال دارند .
۱۵- استخدام و اخراج کارگران باید زیر نظر شورای خود آنها باشد و کارفرمایان هیچ حقی در این مورد ندارند .
۱۶- کارگران باید حق اعتصاب و اعتراض داشته باشند و نباید کسی برای آنها مزاحمت ایجاد کند .
۱۷- بین کارگران فروشگاهی تعاونی ایجاد شود که با قیمت بسیار کم احتیاجات آنها را بر آورده سازند و زیر نظارت شورای خود آنها اداره شوند .
۱۸- برای کارگران وسائل یعنی فراهم کردن یک وعده غذای گرم ، دور مجانی به آنها داده شود .
۱۹- کلیه کارگران پیمانی باید رسمی شوند .
۲۰- کلیه کارگران از کار افتاده که دیگر توان کاری ندارند از کار معاف و حقوق آنها پرداخت شود .
۲۱- در محلها و هر شرکت و یا کارگاهی باید از کارگران بیکار خود منطقه استفاده کند .
۲۲- همه کارگران و کارکنان خارجی اخراج شوند و جای آنها به ایرانیان داده شود .

خواسته های فوری کارگران بیکار

- ۱- برای کارگران بیکار هر چه زودتر کار فراهم شود .
- ۲- بکارگران بیکار تا شروع بکار وام بیکاری بر اساس مخارج زندگی آنها پرداخت شود .
- ۳- وام بیکاری بعد از شش ماه از شروع بکار بصورت درصد کمی از حقوق آنها کسر شود .
- ۴- چون شرکتها از هیچ نوع قانونی در پرداخت مزد استغاث نکرده اند بنابراین شرط داشتن دفترچه بیمه برای کارگر کارگرانی که وام بیکاری دریافت می کنند ، لغو گردد .

شورای موقت کارگران ایران شهر ۱۳۵۸/۲/۱۱

نامه تعدادی از کارگران سس پرتره ساکن در معدن بیکت مقام مسئول :

محترماً " به عرض می رسد که در تاریخ ۵۸/۲/۲۲ پاس داران انقلاب کمیته سرچشمه کاری کرده اند که موج ناراضیتی را در محل ببار آورده موضوع : به گفتار خود ایشان دو نفر از کارگران ساکن در این محل را در حال دزدی گرفته اند و شب شنبه ۵۸/۲/۲۲ تعدادی از پاسداران به محل ریخته و در صورتی که ساختمان در خود معدن است آنها محاصره کرده و به بازرسی اتاق کارگران پرداختند . از آنجا که این ساختمان وضع خرابی دارد طبیعی است جهت تعمیر در تمام اتاقها وسائلی از قبیل انبردست ، پیچ گوشتی پیدا کرده اند که اکثر آنها یا شخصی بوده یا از طرف مسئولین رسید داشته اند و پاسداران با ضبط آنها به تمام کارگران این محل تهمت دزدی زده و آنها را بسیار خشمگین کرده

با احترام بدنهال جریان فوق کارگران قسمتهای مهندسی ، معدن کارخانه مجتمع بعنوان اعتراض دست از کار کشیده و به طرف کمیته سرچشمه حرکت کرده اند تا به عمل غیر انسانی شب گذشته اعتراض نمایند ، در محل باز هم پاسداران آنها را به کمیته بردند و تحت بازجویی قرار دادند . همچنین در شب ۵۸/۲/۲۳ به یک سری از خانه های کارآموزان حمله کرده و آنها را متهم به دزد بودن و کمونیست بودن نمودند . که در نتیجه امروز آنها هم بعنوان اعتراض همراه با کارگران به کمیته رفتند . در ضمن کمیته این بخش تحت کمیته رفسنجان انجام وظیفه می کند و سرپرستی کمیته رفسنجان هم بدست آیت الله هاشمی رفسنجانی توفی است که عمو زاده دکتر هاشم رفسنجانی از نفوذ الهای رفسنجان می باشد .

نام کارکنان پیمانی شرکت ملی نفت

بمقام محترم رئیس هیئت مدیره و مدیر عامل شرکت ملی نفت ایران :

احتراماً ، ما کارگران پیمانی شرکت ملی نفت در آبادان مدت سدهام می باشد که مسائل و مشکلات خود را که باقیبای فساد و اجحاف رژیم گذشته می باشد با ادرا مربوطه مان در میان گذاشته ایم و از آنان تقاضای رسیدگی نموده ایم ولی نتیجه تنها به مشکلات ما توجه شده است بلکه اجحافات و نارواییهای دیگری بران افزود شده است . در اس این مشکلات موضوع رسمی شدن ما قرار دارد . متأسفانه الان که مدت سه ماه است که از قول رسمی شدن که به ما داده اید می گذرد ، ولی هنوز کوچکترین خبری در این مورد داده نشده است . مسئله دوم که وجود دارد موضوع حقوق ماست قبل از انقلاب حقوق ما را که بسیار کم بود پیمانکاران می پرداختند و وقتی ما به شرکت مراجعه میکردیم و از کمی حقوق شکوه می نمودیم به ما می گفتند که ما خیلی بیشر از مبلغی که پیمانکاران به شما می پردازد ، ما به شما می پردازیم و از پیمانکاران خواهیم دید که حقوق شما را اضافه کند .

خوشبختانه ، انقلاب ما به ثمر رسید و دست پیمانکاران ز سر ما کوتاه شد و خوشحال که دیگر همان حقوقی را که شرکت به پیمانکاران می داد به خود ما خواهد پرداخت ولی متأسفانه مشاهده کردیم که باز همان حقوق قبلی را به ما می دهند . الان معلوم نیست ما به التفاوت مبلغی که به پیمانکاری می دادند و مبلغی که پیمانکاران به ما می داد ، به کجا می رود . به اداره مراجعه می کنیم ، می گویند : صبر کنید ، حقوقتان زیاد میشود . از ما می خواهند صبر کنیم و ما هم صبر می کنیم ولی از عمل خبری نیست نمی دانیم عاقبت این سهل انگاریها و به تاخیر انداختن عمده ترین مسائل ملتو مملکت یعنی مسائل کارگری ، به کجا خواهد رسید چه هدفهایی دنبال میشود که ما بی اطلاعیم . مسئله دیگری که تازگی پیش آمده است ، مسئله نماینده کارگران است . بهرامی نامی خود را به عنوان نماینده کارگران معرفی کرده است و در جلسات کارگری شرکت میکند و از طرف مسئولین هم بلا فاصله مورد قبول قرار می گیرد و جالب اینجاست که این آقای بهرامی خود انتخاب شده و مطالبی را گفته است که نه تنها خواست ما نبوده بلکه در جهت خلاف منافع ، مصالح ما می باشد . مثلاً " ایشان گفته اند که کارگران پیمانی از کارگران رسمی جدا بوده و مسا کاری با کارگران رسمی نداریم که این گفته در جهت جدا کردن ما کارگران شرکت نفت می باشد که بسیار عمل ناپسندی است و ما نسبت به این نماینده به شدت معترضیم و عمل خود سرانه این شخص را و از آن بدتر نیز بیشر او را بعنوان نماینده کارگران از طرف مسئولین بدون توجه به نظر و خواست اکثریت تقبیح می کنیم و این کارها را در دوران انقلاب غیر منتظره می دانیم چرا که چنین کارهایی در دوران طاغوت صورت می گرفت و جدا " متأسفیم که چنین کارهایی را ده باره مشاهده می کنیم . در پایان از آن مقام استدعا داریم که هر چه زودتر نسبت به مشکلات ذکر شده رسیدگی و اقدام عاجل مبذول دارید . زیرا انقلاب ما بنابه گفته امام خمینی ، امام حامی مستضعفین می باشد و کارگران از همه مستضعفین

برای گرفتن حق بیکاری متحداً مبارزه کنیم

تظاهرات ترسناکی در کردستان پیشانی از شیخ عزالدین حسینی

شورای هماهنگی جمعیت‌های کردستان در حالیکه آیت الله حسینی به قصد تهران و قم، مهاجد را به عنوان انجام سفر حسن نیت و نه مذاکره حول مسائل سیاسی و بویژه خود مختاری، ترک کرده‌اند، برای پشتیبانی از آیت الله حسینی و اعتراض به سانسور حاکم بر رادیو و تلویزیون و بویژه سکوت در مورد سفر آقای حسینی و پخش نمودن اخبار مربوط به این سفر اعلام تظاهرات در سرکردستان نمود. این تظاهرات بعد از ظهر روز پنجشنبه ۵۸/۲/۲۷ در ساعات مختلف در شهرهای کردستان، انجام گرفت. در همه شهرهای کردستان تظاهرات با حمایت کلیه نیروهای سیاسی و انقلابی و عده زیادی از مردم رو برو گردید. البته حزب دمکرات تحت این عنوان که ایسنت تظاهرات باعث جدائی دولت و خلق کرد خواهد گردید جزو شرکت‌کنندگان نبود.

بعثت تصادم این روز با شویخ روزنامه آیت‌نگاران و تسلط اختناق بر مطبوعات و همچنین سالروز شهادت بزرگ شهید کرد اسماعیل شریف زاده، قهرمان سال‌های ۴۷ - ۴۶ در آن تظاهرات تجلیل از این شهید بعمل آمد و شمارهای برله مطبوعات و علیه سانسور داده می‌شد. در مهاجرت تظاهرات هرکنندگان برای تحلیل از این شهید پس از راه پیمایی در شهر بر سر مزار او واقع در قبرستان شهر رفتند و یادبود او اشعار و مقالاتی خوانده شد. همچنین در طول راه پیمایی سرودی را که به بان کنسند ه شیوه مبارزه و دلاوری‌های وی بود خوانده میشد. ترجمه شمارهای تظاهرات عبارتند از:

- ۱- آیت‌الله، پشتیبانت، کارگران دهقانانند.
- ۲- آیت‌الله، پشتیبانت، کارگران دهقانانند.
- ۳- آیت‌الله، پشتیبانت، تمام مردم ده و شهرند.
- ۴- آیت‌الله، دشمنان تو نگران استعمارند.
- ۵- آیت‌الله، طرفداران تو و همراهان تو همه فداکار و یار زحمتکشان و دشمن ظالمینند.
- ۶- ما سانسور را محکوم میکنیم.
- ۷- سرنیزه و زور را محکوم میکنیم.
- ۸- ما سانسور یعنی دروغ گفتن - حق مردم را از بین بردن - مردم خیلی کشته داده‌اند، برای آزادی خون داده‌اند، اما سانسور هنوز مانده و همچون سیل خون ریخته میشود.
- ۹- کارگران استعمار میشوند، دهقانان از خانه بیرون رانده میشوند و تمام ظالمین در اسکارند.
- ۱۰- دولت نمی‌تواند با حقه بازی کارش را به پیش برد. نماینده ما تنها حسینی است.
- ۱۱- جناب آقای بازرگان، نخست وزیر ایران، ما مفتی زاده رانمی خواهیم تا بحال بارها، این را گفته ایم که: عزالدین حسینی تنها نماینده کردهاست.
- ۱۲- زمین مال دهقان است، دیگر دهقانان را جاره نمیدهد.
- ۱۳- کارگر رهبر است، دهقان سرور است.
- ۱۴- تاحق کرد داده نشده، انقلاب ناتمام است.
- ۱۵- قیاده در کردستان برای توطئه چینی آمده است. همه با هم می‌گوئیم باید از ایران اخراج شود.
- ۱۶- ما سانسور روزنامه‌ها، توبیخ آیت‌نگاران نشانده خفکان است و برخلاف خواسته مردم است.
- ۱۷- قطعنامه‌ای در پایان تظاهرات در ۴ ماده قراشت شد که پس از اشاره به مبارزات خلق کرد بدین شرح میباشد: اینک که ما شرکت‌کنندگان در این راه پیمایی که بیمناسبت پشتیبانی مجدد از حضرت آیت‌الله شیخ عزالدین حسینی ترتیب یافته، ضمن اعتراض، به سکوت رادیو و تلویزیون در مورد مسافرت ایشان پشتیبانی قاطع خود را از آیت‌الله حسینی بعنوان تنها نماینده و رهبر واقعی خلق کرد اعلام داشته و قطعنامه زیر را در ۴ ماده اعلام میداریم:
- ۱- ما بار دیگر پشتیبانی خود را از نماینده و رهبر منتخب خلق کرد یعنی حضرت آیت‌الله حسینی اعلام میداریم.
- ۲- ما بار دیگر هرگونه اتهام ناروا از سوی عناصر مرتجع در هر گوشه‌ای از ایران را بشدت محکوم نموده و آنرا توطئه‌ای برای باایمال نمودن حقوق خلق کرد یعنی خود مختاری می‌دانیم.
- ۳- سکوت رادیو و تلویزیون را در مورد مسافرت آیت‌الله حسینی تنها نماینده واقعی خلق کرد بشدت محکوم نموده و خواهان الغای سانسور به هر شکل و بهر نوعی در رادیو و تلویزیون هستیم.
- ۴- ما بار دیگر پشتیبانی خود را از قطعنامه ۸ ماده‌ای مهاجرت و سند ج اعلام میداریم.

در مسجد سلیمان، اهواز، آغا جری و دیگر شهرهای خوزستان، کارگران زیادی هستند که در شرکت‌های حفاری مانند "سدیران"، "هالیبرتون"، "سن تافی"، "ردین بکس" و... مشغول بکارند. این کارگران که تا کنون جوانی و قوتشان در زیر آفتاب سوزان تابستان و سرمای گزنده زمستان، صرفی کردن جیب‌های سرمایداران و امپریالیستها شده است، حالا بطرز ناجوانمردانه‌ای از طرف شتی سرمایه‌دار سودجو - معرض اخراج قرار گرفته‌اند، این سودجویان به کارگران مانند پیچ و مهره‌ای نگاه می‌کنند که هر وقت به کارشان نیامد آنرا دور می‌اندازند. در این شرایط خاص که ما در ایران با انبوه بیکران کارگران بیکار رو - هستیم، بیرون راندن این کارگران از سرکارشان به چه معنی است؟ آیا دولت بجای حل مسئله کارگران بیکار به مسئله بیکاری دامن نمیزیزند؟

بدلیل بالا است که کارگران شرکت‌های حفاری در عین حالیکه بطور مشخص از هر اقدام ضد امپریالیستی دولت در مورد صدور نفت و کنترل میزان آن حمایت می‌کنند، قاطعانه خواهان جلوگیری از اخراج و در بدری خود نیز هستند و به هیچ وجه حاضر نیستند که از حقوق مسلم خود که باقی ماندن بر سر کارشان است، صرفاً بکسر کنند.

کارگران تجربه تلخ کارگران سالی دوماهی شرکت نفت را که هنوز هم در بدر هستند، فراموش نمی‌کنند و به همین دلیل هم اکنون حتی وعده‌سالی سه ماهه حق اخراجی و معادل پنج ماه پرداخت فوق‌العاده هم کارگران را نمی‌فریبدهد و همه کارگران بخوبی می‌دانند که نوشتن استعفای خود همانند سالی دوماهی‌های سابق - زندگی تیره و تاری که با بیکاری و آوارگی و... همراه است، انتظارشان را میکشد.

با اتحاد خود توطئه سرمایه‌داران را بر علیه کارگران خنثی کنیم
"دقت سیاسی طرفداران طبقه کارگر" مسجد سلیمان

تحصن کارگران شرکت آرمه

۲۴ نفر از کارگران آرمه - تسلا که مدت چهار ماه است بیکار شده‌اند از ۲/۱۷ در دفتر مرکزی شرکت واقع در خیابان بین بلوار و تخت جمشید تحصن و خواستار تحقق سه خواسته زیر شده‌اند:

- ۱- بازگشایی کارخانه
- ۲- پرداخت حقوق عقب افتاده با عیدی و حق اولاد و سکن
- ۳- شرکت حق بیرون کردن کسی را نداشته باشد مگر اینکه بجای او کارگر دیگری را استخدام کند.

در گزارشی که از این تحصن تهیه شده چنین می‌خواهد. امروز (۲/۲۵) تعداد کارگرانی که در آنجا بودند از ۳۰-۴۰ نفر بیشتر نبودند. چون عده‌ای رفته و آن هزار

تومان را گرفته‌اند و عده‌ای هم سیه به محل تحصن می‌زنند برای اینکه ببینند اگر پولی پرداخت می‌شود، آن را بگیرند و اگر خبری از پول نباشد، می‌روند.

یکی از کارگران تحصن می‌گفت که: در این مدت نه تنها به خواسته ما رسیدگی نشده بلکه حتی کار شکنی و از پیمان هم می‌کنند. شبهای اول تحصن ساعت ۳ بعد از نیمه شب کولر را روشن کرده و عین زندان اوین با ما رفتار می‌کردند. کمیته‌ها روزهای اول می‌آمدند و عده‌ای از کارگران راضی می‌کردند که محل تحصن را ترک کنند.

یکی دیگر از کارگران اضافه می‌کرد که: تا موقعیکه ملک زاده (کارفرما) گرفته و تحویل کمیته داده بودیم به حرف‌هایمان گوش می‌دادند ولی از زمانیکه امیر انتظام، ملک زاده را آزاد کرده دیگر کسی به حرف ما محل نمی‌گذارد. در ضمن کارگران این شرکت طی نامه‌ای خواستهای خود را به امام خمینی نیز فرستاده‌اند که در زیر می‌آید.

(بسم الله الرحمن الرحیم)
۱۳۵۸/۲/۲۲
نامه سرگشاده به پیشگاه رهبر عالیقدر انقلاب امام خمینی. ملت قهرمان ایران، ما در پیشگاه رهبری انقلاب و ملت قهرمان ایران ضد انقلاب و توطئه‌گران را معرفی می‌کنیم، ما از مقامات مسئول می‌خواهیم در احقاق حقوق ما از چپالگران، مارا پاری دهند.

ما کارگران شرکت آرمه - تسلا و شرکت‌های وابسته مدت دو ماه است که در جهت احقاق حق خود به هر دری زدیم. ما در وزارت کار تا کنون دو موافقت نامه بین نمایندگان کارگران و کارفرما و نماینده وزارت کار به امضاء رسیده است.

کارفرما با پنهان کردن خود حاضر نیست جوابگوی خواسته بحق کارگران باشد و موافقتنامه را به اجراء نرساند. ما از تاریخ ۱۳۵۸/۲/۱۷ در محل دفتر مرکزی شرکت تحصن شده و مراتب را طی تلگراف به مقامات مسئول اطلاع داده‌ایم.

کارفرما از مخفیگاه خود باند مافیائی اش را در جهت سرکوب ما کارگران با همان روشهای بی‌شرمانه دوران طاغوت رهبری می‌کند. پاره‌ای از توطئه‌های او به شرح زیر است.

- ۱- کارفرما با نشر اکاذیب و چاپ آگهی در نشریات قصد دارد که خواسته بر حق کارگران را باایمال نموده و دروغ جلوه دهد. من باب‌مثال به آگهی مورخ ۱۳۵۸/۲/۱۶ در روزنامه آیت‌نگاران اشاره مینمایم.
 - ۲- در حضور ما عامل کارفرما با نمایندگان ما وارد مذاکره شدند که آنها را تطمیع نمایند ولی با جواب رد کوبنده آنها مواجه شدند. چون از این راه نتیجه‌ای نگرفتند آنها را تهدید کردند. هر اتفاقی که برای نمایندگان ما پیش آید کارفرما مسئول است.
 - ۳- با اعمال نفوذ پرونده ما را در وزارت کار از زیر دست آقای مهندس اسکویی عضو کمیته ویژه میازرسی وزارت کار که بیطرفانه رفتار میکرد خارج نموده است و در اختیار یک فرد غیر مسئول گذاشته‌اند. این شخص به عنوان مختلف حتی با تهدید عده‌ای از همکاران ما را وادار نموده است که در مقابل دریافت وجوه بسیار ناچیز از حق خود صرفنظر نمایند در این مورد تقاضای رسیدگی داریم.
 - در پایان اضافه می‌کنیم که در دوران انقلاب ما از رهبر عالیقدر خود امام خمینی آموخته‌ایم که چگونه از حقوق قانونی خود دفاع کنیم و مستبدان را معرفی نمائیم.
- بنا بر این تا حصول به خواسته‌های بر حق خود در تحصن خواهیم بود.

(کارگران شرکت آرمه - تسلا - شرکت‌های وابسته)

خود را در ضربه زدن و آزار و پیگرد نیروهای انقلابی و مارکسیست - لنینیست می‌بینند

در این روز انحصار طلبان سیاسی مذبحانه کوشی کرده بودند تا با ترتیب دادن یک سخنرانی در محل دیگر که از حلقوم کسانی چون قطب زاده و چمران معلوم‌الحال بیرون می‌آمد - آنهم درست در ساعتی که این مراسم برگزار می‌شد (ساعت ۵) - بحال خام خود در مقابل این گروه‌های قدرتمند نمی‌نمایند.

آنها همچنین با تحریک ده‌ها ولگرد نا آگاه سعی کردند این مراسم را بهم بزنند ولی سنگ آنها به‌دفعه نخورد

"عقیده عرضه‌کردنی است نه تحمیل کردنی"

"دست انحصار طلبان از انقلاب ایران کوتاه"

"با سانسور مطبوعات و رادیو و تلویزیون مبارزه کنیم"

و... شعارهای بی‌بند بود که پلاکاردهای اطراف دانشگاه نقش بسته بود.

ادامه از صفحه اول

مراسم صدمین سالگرد ... باز گرداندن اختناق همه جانبه، سرخم کنند. آنتا ببا شعارهای نظیر "مرگ بر آمریکا"، "ارتجاع نابود است" انقلاب پیروز است" عزم خود را برای مقابله با توطئه‌های ارتجاع و امپریالیسم اعلام نمودند.

این مراسم مشت محکمی بود بر دهان انحصار طلبان تنگ - نظران سیاسی که دنیا را تنها از دیدگاه تنگ و تاریک خود مشاهده می‌کنند و انسانیت را برایشان در چالوس و تعصب کورکورانه غلامه می‌نمود.

اگر آنها انسانهای آزاده‌ای می‌بودند همین شرمساری آنها را بس بود که، تنها پس از سه ماه از قیام پیروز - نداننده توده‌ها، سیل جمعیت یکصد خواستار آزادی ۴۲ زندانی فدائی بودند و فریاد می‌زدند: "چریک فدائشی آزاد باید گردد" فریاد رعدآسای جمعیت و سخنان یک مادر فدائی داغ تنگی بود بر پیشانی کسانی که قدرت

همکاران مبارز!

در شرایط حاضر وضعیت نا بهنجار رادیو و تلویزیون در مورد نحوه مدیریت و سازمان و نیز مسئولان بزرگترین و سلسله روستگری توده‌های امیدهای مردم ایران را از زمانی که برایش مالیات میپردازند مندمل بیاس کرده است. عدم آگاهی و سؤنست و خیانت مدیریت تحمیلی رادیو و تلویزیون بار دیگر شرایط استعمار و استثمار و احتیاق وعدم کارآئی رادرسازمان حاکم کرده و نیز منمکنکننده آن از طریق آنتن رادیو و تلویزیون به ملت ستمیده ایران شده است.

از آنجا که شکل رهبری رادیو و تلویزیون جای تردیدی در ماهیت ضد مردمی آن باقی نگذاشته است، ما گروهی از کارکنان رادیو و تلویزیون اعلام میداریم:

۱- تجربه نشان داده است که شرکت و همکاری کاروای تحمیلی به فصد تاثیر بر تصمیم گیریها، عملا کارگزاری تصمیمات غلط مدیریت دستگاه خواهد بود.

۲- برچیدن سانسور و مبارزه با اختناق که از زمان اعتصاب کارکنان در رژیم گذشته تشدید شده بهیچوجه بنتیجه نرسیده، بلکه علیرغم انقلاب عظیم ملت ایران، اختناق و سانسور به شدیدترین نحوی در رادیو و تلویزیون حاکم شده تا آنجا که عملا این وسیله ارتباطی را خدمتگزار صدیقی ارتجاع و استثمار کرده است.

۳- مادام که مدیریت خودکامه فردی بر سازمان حاکم باشد، از مبارزات دمکراتیک نمیتوان انتظار نتایج رزنده داشت. بنابرین یکی از جهات مبارزه باید ایجاد شکل دمکراتیک مردمی برای اداره رادیو و تلویزیون باشد.

۴- از همه همکاران مبارز دعوت میکنم ضمن تجدید سازمان و اصلاح و تصفیه تشکیلات مبارزاتی قبلی ما منند شورای موسس اتحادیه و سندیکای برنامه سازمان و شوراهای مراکز شهرستانها تمام هم خود را در جهت استحکام و ایجاد مبنای و پیوندهای سندیکائی دائم که مبنی محکم و ثابتی در مقابل فشار ارتجاع و اختناق اتخاذ کند بکار برین تادهر شرایطی بنوا نیم در جهت آزادی و روستگری و ایجاد مدیریت دمکراتیک منطبق بر خواسته های ملت ایران اقدام کنند.

۵- فعالیت سندیکائی ضمن انتخاب احتمالی مبارزه منفی بمنظور طرد عوامل و شرایط ارتجاع باید فعالیتهای حرفه ای را تشدید و عرضه و نمایش آنرا در خارج از رادیو و تلویزیون مد نظر قرار دهد.

مبارزه تا حصول رادیو و تلویزیونی آزاد و مردمی و روستگر!

گروهی از کارکنان رادیو و تلویزیون

مبارزه بخاطر رادیو تلویزیون آزاد

علامه زسر که توسط گروهی از کارکنان مبارز رادیو تلویزیون نشر یافته، بیانگر مبنای رزهی سختی است که بین کارکنان مبارز و متعهد رادیو و تلویزیون با انحصار طلبان و اشغالگرانی که اس و مسائل مهم ارتباط جمعی که به نام خلفهای ایران تعلق دارد، و آنها به بلندگوی خود تبدیل کرده اند، جریان دارد.

کمیته مرکزی حزب توده و مطبوعات مترقی

در شرایطی که مطبوعات آزاده مورد انبواغ و اقسام توطئه ها و یورتهای فاشیستی توسط چماق بدستان واقع میشوند، در شرایطی که امپریالیسم - بدسنت عواملیش - نقشه آگاهانه تحطیل مطبوعات منتقد و مترقی را پیاده میکند، در شرایطی که انحصار طلبان و فرصت طلبان با سو استفاده از نا آگاهی و بیخبری عده ای، در پی منافع پست گروهی خود به شکستن قلم ها و بریدن زبانهای هم گماشته اند! در شرایطی که فاشیسم، چهره کثیف و منحوس و ضد خلقی خود را با تمام وضوح نشان میدهد، آری در چنین شرایطی، در چنین شرایطی که میبایست تمام نیروهای انقلابی و مردمی و بویژه ما رکیست - لنینیست ها به اشای توطئه های امپریالیسم و ارتجاع بپردازند، در چنین شرایطی که میبایست برده ریا و فریبکاری را از چهره مزور انحصار طلبان و این - الوقت ها باره کرد، در چنین شرایطی که میبایست از مطبوعات آزاده و مترقی دفاع و پشتیبانی نمود.

در چنین شرایطی که میبایست از آزادی و آزادگی با تمام وجود خود حمایت و پاسداری کرد، کمیته مرکزی حزب توده که مدعی رهبری حزب طبقه کارگر ایران و اعتقاد به مارکسیسم - لنینیسم است، چهره کثیف، فرصت طلب و ناردمی خود را در یک مورد مشخص دیگر با تمام کراهتن نشان میدهد. این فرصت - طلبان که در آرزوی جاه و مقام به هر کرنش و شملقی دست میازند، در چنین بحیوچه ای به روزنامه های مترقی مبتازند و همیا با انحصار طلبان و درو فیردازان آنان را تحریفگر و تحریک کننده و ... میخوانند. و بدین ترتیب، در حالیکه با اصطلاح افشای چنین روزنامه هائی میپردازند، با چشمان ملتسم و مودی خود انتظار نوازش و مرحمت مصادر قدرت را بخاطر خورقمی و سرچ برای شان دارند. اما اگر رویزیونیست ها، در دیگر کشورها و در طول تاریخ با کرنش و زانو زدن در مقابل بورژوازی و خرده بورژوازی بهره ای سردند، کمیته مرکزی حزب توده هم، از اینهمه سازکاری خیانتکارانه طرفی خواهد بست. اینها و تمام رویزیونیست ها سازش ها و کرنش های شان در برابر بورژوازی، نه تنها به پروولتاریا و زحمتکاران که به خود نیز خیانت میکنند.

سرنوشت "برادران" کمیته مرکزی حزب توده در عراق که توسط فاشیست های بعثی عراق گروه بسوه جوخه اعدام سپرده میشوند، میتواست تجربه و درس خوبی باشد برای اس آفابان، در صورتیکه ماهیستی مردمی داشتند و دچار خطای تاکتیکی و با معرفتی شده بودند، ولی این رویزیونیست ها بنا به ماهیتشان نمیتوانند از این موارد مشخص و زنده تاریخسی در بی بگیرند.

همیالکی های کمیته مرکزی در عراق مگر چه کردند؟ آنها در تلاش برای رسیدن به موضع قدرت و پاسداری از منافع مسکو بزرگترین حیانت ها را به جنبش کمونیستی عراق و عناصر صادق و نا آگاه خود مرتکب شدند. آنها با سازشهای خیانت آمیز خود باعث شدند که دسته دسته کمونیست ها به زیر تیغ حلدان بعثی فرستاده شوند. و در پیروی از این سیاست، خود نیز از ضربات جانکگاه بعثی های فاشیست در امان نماندند، ولی هنوز هم راه بی سرانجام خود ادامه میدهند، تا شاید که ترجم بورژوازی عراق را برانگیزانند...

و برای حزب توده ایران اگر سرنوشتی همسان "برادران" عراقی شان وجود نداشته باشد، بی گمان آینده ای بهتر از آنها نخواهند داشت. حال بگذار تا میتوانند سیاست های نادرست قدرت حاکم را توجیه کنند، شعارهای مذهبی سردهند، شملی و چالپوسی قدرتمندان پیسه سازند، همیا با انحصار طلبان، مارکسیست - لنینیست های راستین را سب و لعن کنند ... و سیاستهای خیانت آمیز دیگر را ادامه دهند.

یورش به مطبوعات، گامی دیگر در راه تعرض به آزادی است!

در روزنامه آیندگان روز بیستمه بسنم اردیبهشت ماه، حیری از قول آیت الله خمینی در مباحثه باخبر نگار روزنامه فرانسوی لوموند درج گردیده بود. اصل خبر، که از خبرگزاری پارس و خبرگزاری فرانسه نقل شده است، هرگز از جانب دفتر امام با مباحثات دولتی مورد تکذیب قرار نگرفته. در اس احتمال انجام نزورهای خیر (سریسگر قره شی و آنت الله مطهری) توسط ایرانیان چپگرا، رده شده بود. خبر مذکور قبلا در بخش خبری رادیو ساعت ۷ بعد از ظهر روز چهارشنبه بهمان شکل پیش شده بود. لکن پس از صدور یک اعلامیه از دفتر امام، مبنی بر عدم رضا - چایشان از درج خبر بدون آنکه اصل خبر مورد ذی بقرار گیرد، کارزار تبلیغاتی چند جانبه ای علیه روزنامه آیندگان (و چند روزنامه دیگر) به راه اف...

سازمان "خودمختار" رادیو تلویزیون، با استفاده از این فرصت "طلائی"، به عنوان سردمداران کسارزار هیستریک وارد معرکه شده در این روزهای بحرانی که بیش از هر موقع دیگر، خلق نیازمند وحدت و یکپارچگی است - تا هم و غم خود را صرف مبارزه علیه آزادی مطبوعات، تحریک و تشبیج مردم و تصفیه حسابها و خصومی سرپرست این سازمان با مطبوعات نمود. بدسبب این تحریکات دامنه دار و برنامه ریزی شده توسط بعضی جناحهای حاکم و فشارهایی که از جاس قشریون کوردلی یا سده دل بعمل آمد، انتشار روزنامه آیندگان متوقف گردید.

این واقع که نه نمادی است و نه منفرد، بدنبال یک سلسله وقایعی که قلا به وقوع پیوسته بود و همگی به منظور فشار به نیروهای انقلابی و دمکراتیک صورت گرفته، گام دیگری بود در راه محدود کردن و عقب راندن خواستهای دمکراتیک توده ها و به پیش تازاندن سرکوب و اختناق. این عملی است که تا بحال به کرات علیه سازمان - های انقلابی چون سازمان چریکهای فدائی خلق ایران و سازمان مجاهدین خلق و ... علیه فرزندان مجاهد بزرگ آیت الله طالقانی و علیه کارگران و گروههای آزادخواه (زبان، دانشویان و غیره) صورت پذیرفته است، حاکی از حرکتی تاریخی است که همگی در جهت ابقا رژیم سرکوب و وابستگی به امپریالیسم، صورت می پذیرد.

مردم ایران برای کسب آزادی، علیه استبداد، ارتجاع و امپریالیسم قسام کردند، جنگیدند و قربانی دادند. باز پس گرفتن آزادیهایی که با خون و مبارزه بدست آمده است، نوهین به همه مردم ایران و نادیسه گرفتن خواست آنهاست. مردم ما دستاوردهای گرا نقیصه این جنبش و آزادیهای صافی، سیاسی، عقیدتی، فرهنگی و غیره را به هیچ مسمتی به دیکتاتورمنش های نوا ظهور نخواهند سپرد و به هیچ رو، پس از سه ماه که از قیام میگذرد، دو باره سرکوبی و احنای را نخواهند پذیرفت.

حلوقبری از ادامه انتشار "آیندگان" نه فقط توهینی به این روزنامه و کارکنان آن بلکه بی احترامی، تحمیر و سلب حقوق صدها هزار خواننده این روزنامه است که دیگران آنها را بالغ ندانسته، خود را قیم آنها می - بندارد و بجای ایشان تصمیم میگیرد.

دارو دسنه دغلناز حزب توده، که هرمان و هماهنگ با حمله علیه آیندگان، به اهمیت زنی به این روزنامه پرداخت می پندارد که نا آواز خوانی در این ارکستر تکمیر و تصف، میتواند در گوشه محراب جناحهای حاکم حائی برای جود بساید. اسنان بار دیگر ثابت کردند که نه تنها کاملا به روشهای ضد دمکراتیک خود وفادارند بلکه اصولا به ماهت جنبش مردم ما نیز بکلی بی اعتنا هستند. جای تعجب نیست اگر این نوکران شوری، امروز به کاسه لسی متعصبین مذهبی پرداخته و می خواهند با سنرتیب در محضر آنان غسل تعمید یابند. مردم ما گول این خیرگان سد و بست و دشمنان آزادی و استقلال خلق را نیز نخواهند خورد.

در اس ممان فراوان بودند کسانیکه راه مباحثات را در پیش گرفته و حمله به روزنامه آیندگان را با سکوت یا با شک نسیاح سرگزار کردند. اس رفقای نیمه راه آزادی که با این اعمال خود در واقع سازشکاری و محافظه کاریشان را آشکار کردند و در برابر اولین شهید سرکوبگران متعصب، سرتعظیم خم کردند، غافل از این حقیقت میباشند که این چماق یزیدی سرهمه آنان را فرو خواهد آمد و نریسونهای آزاد مردمی، این سنگرهای حق طلسی و افشاگری را یکی پس از دیگری در هم خواهد شکست.

کشور ما در موقعیت بسیار حساسی قرار دارد. مطبوعات یکی از ضروریات صرف نظر ناکردنی پیشبرد و تقویت و رشد آزادیهای جنگ آمده هستند و مانعی اساسی بر سر راه خفه کردن آن در نطفه میباشند. دفاع از آزادی بیان و قلم یکی از وظایف اساسی هنرور کمونیست و هنرور دمکراتیک است. مطبوعات بدون سانسور، همچون چراغی راهنما برای مردم، و آگاهی دهنده علیه خطراتی هستند که هر روز حسس ما را تهدید میکنند. و خفقان و سانسور مطبوعات عاملی است که راه را برای رشد مجدد امپریالیسم و شکست سریع انقلاب باز میکند.

ما، این حمله نا زادی مطبوعات را قویا محکوم میکنیم و از مبارزه تمام روزنامه نگاران مترقی در راه دفاع از مطالبات مردم ایران پشتیبانی میکنیم.